

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سرشناسه	: فیاضی، مجید، ۱۳۶۱ -
عنوان و نام پدیدآور	: درباره تکلیف دختران/تدوین مجید فیاضی ؛ کاری از مرکز تخصصی نماز.
مشخصات نشر	: تهران: ستاد اقامه نماز، ۱۳۹۱.
مشخصات ظاهری	: ۱۳۸ص.؛ ۱۱×۱۷س.م.
فروست	: فصل شکوفایی؛ ۲.
شابک	: دوره ۶-۰۷۱-۰۳۷-۹۶۴-۹۷۸؛ ۹-۰۷۰-۰۳۷-۹۶۴-۹۷۸
وضعیت فهرست نویسی	: فیپا
موضوع	: جشن تکلیف
موضوع	: دختران -- وضع حقوقی و قوانین (فقه)
شناسه افزوده	: ستاد اقامه نماز
شناسه افزوده	: مرکز تخصصی نماز
رده بندی کنگره	: ۱۳۹۱ ۹۵۴ف۴۵/۲۸۵BP
رده بندی دیویی	: ۲۹۷/۷۲۴۲
شماره کتابشناسی ملی	: ۲۹۴۴۰۳۰

فصل شُكوفایی ۲

درباره تکلیف دختران

شناسنامه

نام کتاب..... فصل شکوفایی (۲)
تدوین..... مجید فیاضی
کاری از..... مرکز تخصصی نماز
ناشر..... مؤسسه فرهنگی - انتشاراتی ستاد اقامه نماز
شمارگان..... ۵۰۰۰ نسخه
نوبت چاپ..... اول، تابستان ۹۱
شابک..... ۹-۰۷۰-۵۳۷-۹۶۴-۹۷۸
شابک دوره..... ۶-۰۷۱-۵۳۷-۹۶۴-۹۷۸
چاپ و صحافی..... سازمان چاپ و انتشارات اوقاف
قیمت:..... ۱۸۰۰۰ ریال
مراکز پخش:

۱. تهران میدان فلسطین، انتشارات ستاد اقامه نماز؛ تلفن: ۸۸۹۰۰۰۵۹ - ۸۸۸۹۶۶۶۶

۲. دفاتر ستادهای اقامه نماز سراسر کشور

فهرست

آغاز سخن ۹

فصل اول: نخستین جشن تکلیف

نخستین جشن تکلیف ۱۵

فصل دوم: جایگاه دختران در اسلام

سخنی با دختران ۲۳

سلام بر همهٔ دخترانم ۳۱

فصل سوم: نوجوان و تکلیف

۳۷	بلوغ و تکلیف
۳۹	مفهوم تکلیف
۴۲	نکاتی مخصوص دختران
۴۵	جشن تکلیف (عبادت)
۴۷	نکات ضروری مربوط به جشن تکلیف

فصل چهارم: دانستنی‌های تکلیف

۶۱	شرایط تکلیف
۶۷	واجبات
۶۹	محرمات
۷۲	توبه

فصل پنجم: پوشش بانوان

۷۷	پوشش در قرآن.....
۷۷	۱. محارم دختران.....
۷۸	۲. محارم زنان.....
۸۰	۳. پوشش زن مسلمان.....
۸۱	حجاب در کلام آفتاب.....

فصل ششم: پرسش و پاسخ

۸۹	عوامل رشد و انحراف فرزندان.....
۹۳	راهکارهای تربیت.....
۹۷	بی‌توجهی کودکان به مسائل دینی.....
۱۰۰	حفاظت از فرزندان در تهاجم فرهنگی.....
۱۰۴	چگونه فرزندانمان را به نماز دعوت کنیم؟.....

- ۱۱۰..... اجبار کودکان به نماز
- ۱۱۴..... آموزش نماز به فرزندان
- ۱۱۷..... آموزش نماز به نوجوانان
- ۱۲۲..... بیدار کردن فرزندان برای نماز

پیوست‌ها

- ۱۲۹..... ارتباط با دفتر مراجع
- ۱۳۳..... معرفی مراکز پاسخ‌گویی

آغاز سخن



«سرآغاز بلوغ اگرچه با تحولات جسمی همراه است، اما تحولات روحی آن بسیار بزرگ‌تر است. در این مرحله از رشد است که انسان مورد توجه خداوند واقع می‌شود و صلاحیت پیدا می‌کند تا مورد خطاب او قرار گیرد. از طرفی دیگر، احساس استقلال و آزادی در انتخاب، بحران‌هایی را فراروی انسان می‌گذارد. این انتخاب‌ها نیازمند بینش‌ها و معیارهایی است تا انتخاب براساس ارزش و توان آدمی باشد. با چنین زمینه‌ای شخص را می‌توان سالک و راهرو نامید. سالک در سلوک خود باید راه و مقصد، و منازل و مراحل رسیدن به آن را بشناسد؛ همان‌طور که به وظایف و موانعی که بر سر راه اوست، باید آگاهی یابد.»*

*. عین. صاد، مقدمه کتاب نامه‌های بلوغ.

اهمیت این تحولات روحی و جسمی، و معنوی و مادی انگیزهٔ تدوین دو کتاب «فصل شکوفایی (۲۱)» در بارهٔ بلوغ و تکلیف دختران می‌باشد. در جلد اول به مباحث مادی و جسمی این تحول بزرگ با عنوان «بلوغ» پرداخته‌ایم و در این جلد، به مباحث معنوی و روحی آن با عنوان «تکلیف» خواهیم پرداخت. اهم موضوعات جلد اول عبارتند از: مفهوم بلوغ، مسائل بهداشتی، تغذیه و پرورش و پاسخ‌های رایج.

امید است با عنایت خداوند و نظر لطف حضرت صاحب الزمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، مطالب این مختصر این دو کتاب برای همه مادران و مربیان عزیز و زحمتکش مفید باشد.

مرکز تخصصی نماز

تابستان ۱۳۹۱

فصل اول:

نخستین
جشن تکلیف



نخستین جشن تکلیف

مردم، گروه گروه به طرف منزل [سیدبن طاووس] می رفتند، کوچه ها شلوغ بود و شاگردان سید نمی دانستند که این جشن، به چه مناسبتی برگزار می شود. هرکدام در ذهن خود گمانی می داشت؛ اما از آن مطمئن نبود. یکی می گفت لابد عید است و ما نمی دانیم. آن دیگری مناسبت دیگری را حدس می زد؛ اما همگی سید را خوب می شناختند و می دانستند که حتماً آن جشن مناسبتی دارد. منزل سید از جمعیت موج می زد. ذکر صلوات و قرائت شعر در مدح ائمه علیهم السلام فضای خانه را پر کرده بود و در این میان تنها سید بود که می دانست آن جشن برای چیست؟

سکوت سید طاقت شاگردان را طاق کرده بود. سرانجام یکی از آنان پرسید: اگر مناسبت جشن را بدانیم، بیشتر خوش حال خواهیم شد.

تبسم شیرینی بر چهره سید نقش بست و گفت: امروز یکی از بهترین روزهای عمر من است. چندین سال پیش، در چنین روزی من به سن تکلیف رسیدم و لیاقت آن را پیدا کردم که مورد خطاب خداوند رحمان باشم و به ادای تکلیف الهی پردازم. از این جهت، من هر سال این روز را جشن می‌گیرم.*

دانشمند بزرگ، عارف وارسته و انسان نمونه، «سیدبن طاووس» نخستین کسی است که این «سنت حسنه» را بنیاد نهاد و روز تشریف به تکلیف را عید اعلام کرد. او در این باره می‌نویسد:

۱. سیدحمید علم‌الهدی، نماز سرود ایمان، ص ۳۳.

یکی از چیزهایی که خداوند، جلّ جلاله، مرا بدان رهنمون شد و تاکنون کسی را نیافته‌ام که در این باره با من سخنی بگوید، بزرگداشت هنگام تشرّف به تکلیف و فضایل بزرگ آن است، تا آنجا که همه ساله فرا رسیدن آن روز را جشن می‌گیرم، و خداوند شرافت احیای مراسم آن و سپاس و ستایش و ثنای خورشیده‌ها، ماه‌ها و ستارگان آن را به من عنایت می‌فرماید. این مربی بزرگ در اثر جاودانه‌اش «کشف‌المحجّة» به فرزندش پیش از رسیدن به سن تکلیف، می‌نویسد:

فرزندم، محمد، هنگامی که خداوند تو را به شرف عقل مفتخر گردانید و تو را شایسته هم‌نشینی و گفت‌وگو با خود و حضور در پیشگاه اقدسش دانست، این هنگام را یادداشت کن و آن را برترین و بهترین «عیده‌ها» بدان و سالگشت تکلیف را جشن بگیر و خدای را سپاس گوی

که گوهر عقل را به تو هدیه کرده است. من اگر هنگام فرا رسیدن تکلیف زنده بودم، آن روز را عید قرار می‌دهم و به شکرانهٔ آن انفاق می‌کنم و اگر پیش از رسیدن به این آرزو زندگی را بدرود گفتم، به تو و دیگران وصیت می‌کنم که روز بالغ شدن و به تکلیف رسیدن را عید بدانید و به شکرانهٔ این موهبت الهی انفاق کنید.

سیدبن طاووس (قدس سره) به این آرزو می‌رسد و به شکرانهٔ این فضل بزرگ، هنگام تشرف فرزندش «محمد» به تکلیف و پا نهادن او به وادی نور را جشن می‌گیرد و کتابی زیبا در این باره می‌نگارد که در نخستین فصل آن چنین آمده است:

چون وقت تشرف فرزندم محمد به این فضیلت رسید و او به انوار عقل منور گردید، روز پنجشنبه نهم ماه محرم سال ۶۵۹ بود، و من همراه با خانواده در مهمان‌سرای ربّانی علوی

«نجف اشرف» بودیم. آن روز فرزندم محمد، پانزده سال تمام از سنین عمرش گذشته بود، که خداوند متعال، جلّ جلاله، اقبال و انعام خود را بر ما و او تمام کرد. منجم معتبری را در خانه خود در جوار مشهد مولایمان حضرت علی صلوات‌الله‌علیه حاضر کردم تا وقت و ساعت ولادت او را معین کند.

تاریخ ولادت او دو ساعت و پنج دقیقه روز مذکور بود. در این لحظه به قدر توان، سپاس خداوند، جلّ جلاله، را به جا آوردم که این فرزند را بدینجا رساند و ما را به نعمت کرامتی که برای او برگزید، رهنمون شد.

سیدبن طاووس که از مربیان بزرگ و چهره‌های والا و کم‌نظیر علمای شیعی است، لحظه تکلیف را برترین لحظه‌ها و بزرگ‌ترین عیدها دانسته و انسان را به بزرگداشت آن می‌خواند.

راستی آیا لحظه‌ای زیباتر و شیرین‌تر از لحظهٔ ورود در وادی نور و ارتباط با خالق زیبایی‌ها وجود دارد؟!

آن بزرگوار سنت نیکوی «جشن تکلیف» را بنیاد نهاد و این افتخار را در تاریخ اسلام به نام خود ثبت کرد.

فصل دوم:

جایگاه دختران
در اسلام



سخنی با دختران

شما دختران خوب باید بدانید که وضعیت زنان و دختران در قبل از اسلام چگونه بوده است و حالا در چه وضعیتی هستند. در تمامی کشورها به‌گونه‌ای به زنان ظلم می‌شده و هیچ احترام و شخصیتی برای آنان قائل نبودند. به‌عنوان نمونه در جزیره‌العرب قبل از اسلام دختران را زنده به گور می‌کردند؛ به‌طوری‌که قرآن در این مورد می‌فرماید: **وَإِذَا الْمَوْءُودَةُ سُئِلَتْ * بِأَيِّ ذَنْبٍ قُتِلَتْ؟**^۱ «و در آن هنگام که از دختران زنده به گور شده سؤال شود؛ به چه گناهی کشته شده‌اند؟»

در آیهٔ دیگر، قرآن به نگرش اعراب جاهلی نسبت به دختران اشاره می‌کند و می‌فرماید:

۱. تکویر (۸۱)، ۸ و ۹.

وَإِذَا بُشِّرَ أَحَدُهُم بِالْأُنثَىٰ ظَلَّ وَجْهُهُ مُسْوَدًّا وَهُوَ كَظِيمٌ^۱ «هنگامی که به یکی از مشرکان مژده تولد دختری داده می‌شد از شدت ناراحتی و غضب، رخسارش سیاه می‌گردید و او خشم خود را فرو می‌برد».

در یونان که مترقی‌ترین تمدن را داشت زن یک موجود پست و زاده شیطان و همگون حیوان قلمداد می‌شد، و زن یونانی از تمامی حقوق قانونی و مدنی بی‌بهره بود. در روم، مرد کدخدای خانه بود و حق کشتن همسر خود را داشت و زن نه از پدر ارث می‌برد و نه حق مالکیت داشت. با تولد دختر فریاد تسلیت ازسوی مرد بلند می‌شد و در قالب مثل می‌گفتند: اگر مایلی یک روز معذب باشی میهمانی کن، اگر می‌خواهی یک سال در رنج باشی

۲. نحل (۱۶)، ۵۸.

پرنده نگه‌دار و اگر می‌خواهی یک عمر در عذاب باشی زن بگیر. پاهای دختران را در قالب‌های فلزی مخصوص قرار می‌دادند تا از رشد طبیعی پای آنها جلوگیری شود تا دختران توانایی خروج از خانه را در بزرگ‌سالی نداشته باشند.

در چین نیز اگر در موقع سختی و تنگدستی دختری بر دختران خانواده افزوده می‌شد نوزاد را مظلومانه رها می‌کردند تا در سرمای شب بمیرد یا خوراک حیوانات وحشی گردد یا آنها را در پای بت‌ها قربانی می‌کردند. گاهی هم پاهای آنها را قطع می‌کردند؛ زیرا معتقد بودند که پاهای زن، مرد را فریب می‌دهد و اعتقاد داشتند که خداوند خالق پسران و شیطان خالق دختران است. در هند زن تابع شوهر بود و پس از مرگ شوهر می‌بایست خود را می‌سوزاند و گرنه خانواده شوهر او را به همراه جسد شوهرش می‌سوزانند. آنها زنان را دروازه اصلی جهنم می‌پنداشتند.

در ژاپن هم دختران از ارث محروم بودند.

اما خداوند با اهدای کوثر نبوت به رسول خدا این سنت را شکست و فاطمه علیهاالسلام سنت‌شکن این آداب و رسوم غلط جاهلی شد. پیامبر بزرگوار اسلام صلی الله علیه وآله وسلم در طول ۲۳ سال رسالت خود زحمات فراوانی کشید تا این فکر جاهلیت از سر مردم عربستان خارج شود. به چند نمونه از سخنان حضرت در این باره توجه فرمایید.

پیامبر اعظم صلی الله علیه وآله وسلم می‌فرماید:

خَيْرُ أَوْلَادِكُمُ الْبَنَاتُ؛^۱ «بهترین فرزندان شما دختران شمایند».

۱. میرزا حسین نوری، مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۶۹۵.

همچنین آن حضرت می‌فرماید: خانه‌ای که در آن دختران وجود داشته باشند، هر روز دوازده برکت و رحمت از آسمان بر آن نازل می‌شود، و رفت‌وآمد ملائکه از آن خانه قطع نمی‌شود، و برای پدر دختران در هر شب و روز عبادت یک سال را می‌نویسند.^۱

پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله وسلم: کسی که از بازار هدیه‌ای بخرد و آن را برای خانواده خود ببرد، مانند کسی است که صدقاتی را برای افراد بی‌بضاعت و فقیر می‌برد. پس باید هنگام تقسیم هدیه، دختران را مقدم بدارد؛ چون هرکس دخترش را شاد کند مانند آن است که برده‌ای از فرزندان حضرت اسماعیل را خریده و در راه خدا آزاد کرده است.^۲

۱. احمد دهقان، مقام دختران، ص ۴۷.

۲. محمدبن حسن عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۵، ص ۲۲۷.

پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم می‌فرماید:

از نشانه‌های سعادت و خوشبختی زن آن است که اولین فرزندش دختر باشد.^۱

هدایا را میان فرزندان به عدالت تقسیم کنید. اگر من می‌خواستم فضیلتی را در نظرم بگیرم

دختران را مقدم می‌داشتم.^۲

امام صادق علیه‌السلام نیز می‌فرماید:

أَكْثَرُ الْخَيْرِ فِي النِّسَاءِ؛^۳ «بیشترین خیر و خوبی در وجود زنان است».

حضرت امیرالمؤمنین علیه‌السلام نیز دربارهٔ زن می‌فرماید:

۱. محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۰۱، ص ۹۸.

۲. نهج الفصاحه، ص ۳۶۵.

۳. محمدبن حسن عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۱۱.

الْمَرْأَةُ رِيحَانَةٌ^۱ «زن گل بهاری است».

دختران خوبم، اکنون دانستید که در نظر اسلام و پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم و امامان معصوم علیهم السلام چقدر مقام و منزلت ممتاز و والایی دارید؟ قدر خود را بدانید؛ به دستورهای معصومان علیهم السلام گوش فرا دهید و به تبلیغات دروغین غربی‌ها و دشمنان اسلام که می‌گویند دین اسلام برای زن و دختر ارزشی قائل نشده، گوش ندهید. برای اطلاع بیشتر شما دختران خوب توصیه می‌کنم به کتاب گلبرگ خاطره، بحث مقام و منزلت زن از دیدگاه حضرت امام رحمه الله مراجعه نمایید.

برای نمونه چند سخن از آن رهبر سفر کرده به منظور آگاهی شما عزیزان آورده می‌شود:

۱. سید رضی، نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، نامه ۳۱، بند ۱۷، ص ۳۸۲.

زن بزرگی ویژه‌ای در جامعه دارد که اگر برتر از مرد نباشد، کمتر نیست.^۱

ما همگی مرهوم شجاعت‌های شما زنان شیردل هستیم.^۲

خدمت مردها هم بسیارش مرهون خدمت زن‌هاست.^۳

ما نهضت خودمان را مدیون زن‌ها می‌دانیم.^۴

مربی انسان‌ها زن است. سعادت و شقاوت کشور بسته به وجود زن است. زن با تربیت

صحیح خودش انسان درست می‌کند؛ با تربیت صحیح خودش کشور را آباد می‌کند.^۱

۱. صحیفه نور، ج ۱۴، ص ۲۰۰.

۲. همان، ج ۵، ص ۱۵۳.

۳. همان، ج ۱۱، ص ۱۶۲.

۴. همان، ج ۶، ص ۱۸۵.

اکنون همان طور که گل‌ها مظهر نشاط و طراوت‌اند، دختران نیز مظهر عاطفه و احساسات، و ظریف و آسیب‌پذیر بوده، هر لحظه در معرض آسیب‌های اجتماعی، اخلاقی، روحی و جسمی هستند. از این رو با توجه به لطافت روحی و جسمی باید از کارهای خشن و سخت به دور باشند. گل برای محفوظ ماندن از آسیب‌ها نیاز به حفظ و مراقبت دارد. دختران نیز برای محفوظ ماندن از آسیب‌ها و خطرهای لازم است که با عفاف و حیا و حجاب، خود را از آسیب حفظ کنند.

سلام بر همه دخترانم

سالیان سال، سؤالاتی از این دست، ذهنم را اشغال کرده بود که: چرا من از شنیدن تولد دختران خوشحال‌تر می‌شوم تا پسران؟ چرا نگاه غمگین دختران کوچک، دلم را می‌لرزاند، و تبسم

شیرینشان روحم را به وجد می‌آورد؟ چرا بغض کودکانه دخترکان و لب برچیدنشان مرا بی‌تاب می‌کند، و گریه‌شان امانم را می‌برد؟ چرا بزرگ‌ترین فاجعهٔ عالم برای من کتک خوردن دختران است؟ چرا انحراف و ابتذال دختران و زنان بسیار بیش از گمراهی پسران و مردان جانم را می‌گدازد و روحم را تخریب می‌کند؟

همین جا تأکید می‌کنم که این ارادت به دختران و تعظیم و تکریم زنان ماهیتاً متفاوت است با آنچه مدعیان دفاع از حقوق زنان در ایران و جهان می‌گویند و عمل می‌کنند.

اینها زن را ذاتاً موجودی کوچک و حقیر و افتاده می‌دانند که باید زیر بغل هستی‌اش را گرفت و از جا بلندش کرد، و مأموریت خود را انجام این عملیات می‌شمردند و بدبختی مضاعفشان این است که گمان می‌کنند تجلیل و اکرام از مقام زن، تا شانهٔ مردان است؛

درحالی که به اعتقاد من، برابری با مردان، اصلاً برای جنس مؤنث ارتقا نیست، تنزل زن از آسمان به سطح زمین است.

دخترها جنسشان از جنس گوهری است که این گوهر، دردانهٔ آفرینش است. محبوب‌ترین مخلوق خداست. درست مثل یک گل که خدا اول او را آفریده باشد و بعد از آن جهان را به مثابه گلدانی برای وجود او طراحی کرده باشد. خودش تصریح کرده است که اگر به خاطر گل جمال او نبود، جهان را نمی‌آفریدم.

اگر مردان و حتی بزرگ‌ترین مردان، صنعت خداوندند، بانوی ما هنر خداوند است. اگر حضرت محمد(ص) عقل آفرینش است و مولا علی(ع) قلب آفرینش، زهرای مرضیه جگر خلقت است (و جگر خلقت را خون کردند آنها که... بماند). مبدا از این دنیا تحقیر و تنزل

از جنس مذکور استنباط شود. مقصود من ابدأً این نیست. گوهر وجودی انسان اعم از زن و مرد غیرقابل خدشه است. عرض من این است که مطبوع‌ترین، لذیذترین و مفیدترین غذای زمینی به‌هرحال با مائدهٔ آسمانی قابل مقایسه نیست.

از بیان همهٔ این مقدمات که طولانی هم شد، مقصودم این است که: شما دختران خواه و ناخواه از آسمان آمده‌اید و دانسته یا ندانسته به آن گوهر ازل و ابد متصلید، این شأن و منزلت را حفظ کنید. همین و والسلام.^۱

۱. بخش‌هایی از نامهٔ سیدمهدی شجاعی به دخترانش.

فصل سوم:

نوجوان
و تکلیف



بلوغ و تکلیف^۱

یکی از جلوه‌های بلوغ، بلوغ شرعی است که در دختران، نه سال تمام و در پسران، پانزده سال قمری تمام می‌باشد. اصطلاحاً این نوع بلوغ را «تکلیف» هم می‌گویند. اکنون باید تفاوت آنچه را که به نام بلوغ جنسی و بلوغ شرعی (تکلیف) معروف است، مشخص نمود.

بلوغ جنسی در دختران حوالی ۱۲/۵-۱۳/۵ سالگی و در پسران حوالی ۱۳/۵-۱۴/۵ سالگی واقع می‌شود. حال آنکه بلوغ شرعی (تکلیف) در دختران در نه‌سالگی و در پسران در پانزده-سالگی مقرر شده است.

۱. مقاله از: دکتر محمدرضا شرفی (با کمی تغییر).

از نظر اسلام، کیفیت و نشانه‌های بلوغ به صورت‌های گوناگون مطرح شده است. از جمله در روایت زیر این موضوع به چشم می‌خورد:

افراد صغیر در اموال خود ممنوع‌اند تا وقتی که به حد بلوغ و رشد برسند.^۱

بلوغ به سه نشانه شناخته می‌شود:

اول: روییدن موهای خشن بالای عورت؛

دوم: خروج منی در پسران و شروع عادت ماهانه در دختران؛

سوم: رسیدن به پانزده سال کامل برای پسران و نه سال کامل برای دختران.^۲

۱. الحدیث؛ جلد ۱، ص ۲۲۸.

۲. همان.

مفهوم تکلیف

تکلیف در اصطلاح لغوی، از ریشهٔ «کلفت» به معنای سختی و دشواری می‌آید و غرض این است که نوجوان با نائل شدن به این مرحله از زندگی، خود را پذیرای اعمال و افعالی نماید که در شرع، فرایض و واجبات نام گرفته‌اند، و قبل از این مرحله و در سنین کودکی، موظف به انجام آنها نبوده است.

اینکه چرا به این مجموعه از اعمال و عبادات، تکلیف اطلاق می‌شود، نکته‌ای است که باید ریشهٔ آن را در طبیعت انسان جست‌وجو کرد.

طبیعت انسان آمیخته با نوعی تساهل و تسامح است؛ به گونه‌ای که عنصر راحت‌طلبی و آسان‌گرایی در وجود او از چیرگی و قدرتی خاص برخوردار است؛ درحالی که عبادات و فرایض، با

نوعی زحمت، و در مواردی با سختی و مشقت همراه است و انجام آنها مستلزم غلبه بر طبع آسان‌گرای انسان می‌باشد. انسان باید با بهره‌گیری از نیروی اراده بر جاذبه‌های طبیعت خویش، فائق آید تا موفق به انجام تمامی فرایض شود.

به‌طور مثال روزه، فریضه‌ای الهی است، ولی هم‌جهت طبیعت مادی انسان نیست. طبیعت انسان اقتضا دارد که در مواقع گرسنگی چیزی بخورد و در زمان تشنگی بیاشامد، و نیازهای غریزی را به‌محض تحریک، ارضا نماید. لکن در ماه مبارک رمضان، تمامی اینها تحت‌الشعاع اوامر الهی قرار می‌گیرد و خویشتن‌داری بر ضد خویشتن‌خواهی، برانگیخته می‌شود. از این قبیل فرایض دیگری همچون حج، جهاد، امر به معروف و نهی از منکر و امثالهم هستند که در تمامی

اینها باید از نیروی ارادی و مدد الهی بهره گرفته، در مسیر رضای حق حرکت کرد، و این تبلور آن چیزی است که تکلیف گفته می‌شود.

نوجوان از دوران ساده و بی‌مسئولیت کودکی قدم به دنیای جدیدی می‌نهد و اراده‌اش هنوز پرورش نیافته است. ضروری است او را از دوران کودکی با ملایمت و محبت، با این امور آشنا کرد و زمینه‌های ورود او را به این مرحله مهم و حساس به‌خوبی مهیا نمود. پس از آن در بدو تکلیف او را با آگاهی کامل توأم با رفق به وظایفش مأنوس نمود با تقویت اراده نوجوان را برای عمل به آنها برانگیخت.

نکاتی مخصوص دختران

نظر به اینکه دختران در سن نه‌سالگی مکلف به انجام تکالیف الهی می‌شوند و در این سن در مقطع ابتدایی تحصیل می‌کنند، لازم است طرح مسائل به‌طور خلاصه و در قالب عبارات ساده و قابل فهم برای دانش‌آموز و متناسب با مقطع تحصیلی او باشد. این موارد مهم عبارت‌اند از:

۱. مباحث مربوط به دوران بلوغ و علائم آن، و مسئله تقلید؛
۲. احکام طهارت (بدون ذکر مستحبات و مکروهات)؛
۳. خلاصه‌ای از احکام نجاسات و اقسام آن؛
۴. خلاصه‌ای از احکام غسل و اقسام آن؛
۵. احکام وضو (بدون ذکر مستحبات و مکروهات با استفاده از تصاویر)؛

۶. احکام تیمم در حد ضرورت (با استفاده از تصاویر)؛
۷. خلاصه‌ای از احکام نماز با ذکر تصاویر، مخصوصاً نماز جماعت در مدارس و کیفیت آن، اقسام نماز، مخصوصاً نمازهایی که بر مکلف واجب می‌شود با شرایط آن، مثل نماز آیات؛
۸. خلاصه‌ای از مسائل مربوط به روزه؛
۹. مسائل مربوط به حجاب و پوشش با استفاده از تصاویر؛
۱۰. خلاصه‌ای از مسائل مربوط به محارم؛
۱۱. خلاصه‌ای از مسائل مربوط به امانت تلقی کردن اشیا و چیزهایی که انسان پیدا می‌کند، تقلب نکردن در دروس و امتحان، خراب نکردن اشیا و وسایل شخصی و اشیا و وسایل مربوط به مدرسه، بیان حُرمت مسخره کردن و دشنام دادن؛

۱۲. خلاصه‌ای از احکام خوردنی‌ها و آشامیدنی‌ها، مخصوص آداب سفره و غذا خوردن؛

۱۳. مسائل مربوط به وظایف فرزندان نسبت به پدر و مادر، و دانش‌آموزان نسبت به معلم و

بزرگترها؛

۱۴. خلاصه‌ای از مسائل مربوط به امر به معروف و نهی از منکر؛

۱۵. خلاصه‌ای از مسائل مربوط به تولی و تبری؛

۱۶. رعایت بهداشت فردی در حد کافی؛

۱۷. اهمیت مسواک زدن.

تذکر: غیر از مسائل مربوط به حجاب و پوشش، بقیه مسائل که در قسمت دختران بیان شد،

برای پسران نیز آورده می‌شود.

جشن تکلیف (عبادت)

چگونه می‌توان روز مهم بلوغ شرعی را برای همیشه در ذهن و باور نوجوان جاودانه ساخت؟ بیشتر دست‌اندرکاران تعلیم و تربیت اسلامی معتقدند که اگر بتوانیم روزهای مهم و تعیین‌کننده‌ای چون بلوغ شرعی را برای همیشه در خاطر نوجوان زنده نگه داریم، تا حدود زیادی می‌توانیم به آینده اخلاقی و معنوی او امیدوار باشیم. این مهم در گرو ارزش‌گذاری و عظمت‌آفرینی برای روز تکلیف است.

جشن تکلیف (عبادت)، پاسخی شایسته و مکفی به چنین نیاز و خواسته تربیتی است. خوشبختانه به مدد الهی در سال‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی، فرصت‌های ارزشمند و ارزنده‌ای برای تحقق احکام اسلام، از جمله توجیه جشن تکلیف (عبادت) فراهم شده است. در

برخی از مدارس ابتدایی دخترانه و در تعدادی از خانواده‌های معتقد و مؤمن، این مهم به مرحله عمل درآمده است. در مورد ایام‌الله و مناسبت‌های تاریخی و اسلامی نیز این فلسفه صادق است. برای عظمت‌آفرینی و نقش‌پذیری روزهای بزرگ در اندیشه نسل نوجوان و جوان، باید آن ایام را گرمی داشته، با برپایی مراسم ویژه، رنگ کهنگی را از آنها زدود و صبغه جاودانگی به آنها داد. اگرچه آنها از صبغه الهی برخوردارند، این وظیفه انسان‌هاست که در جهت تعمیق و توسعه این ارزش‌های اسلامی و الهی بکوشند تا خاطره آنها را برای همیشه زنده نگه دارند.

تلاش بزرگان و پیشوایان بر حفظ اعیادی بزرگ همچون «غدیر»، «قربان» و «فطر»، و ولادت‌های معنوی و نورانی امامان معصوم علیهم‌السلام و نیز گرامیداشت حماسه‌های بزرگ و ایام مبارکی از قبیل «عاشورا»، «رمضان»، «هجرت»ها و فتوحات بزرگ، بر این فلسفه عمیق

فصل سوم: نوجوان و تکلیف ■ ۴۷

مبتنی است. همچنان که بنیان‌گذار انقلاب، حضرت امام خمینی (قدس سره) نیز بارها به تکریم و بزرگداشت «۱۵ خرداد»ها و «۲۲ بهمن»ها تأکید فرمودند و آن را مایهٔ حفظ و بقای انقلاب و نظام اسلامی برشمردند.

جشن تکلیف (عبادت) نیز متأثر از چنین روح معنوی و فلسفهٔ محکم و متین الهی است که اگر بتواند با حفظ این اصل برگزار شود، مقصود حاصل خواهد شد.

نکات ضروری مربوط به جشن تکلیف

اکنون به ذکر نکاتی می‌پردازیم که در برپایی این جشن و مناسبت مهم و ارزنده، می‌تواند مؤثر واقع شود.

۱. در جشن تکلیف بهتر است روح سادگی و اسلامی حفظ شود و از هرگونه تشریفات زاید و تجملاتی که در جشن تولدها و یا مناسبت‌های دیگر مرسوم است، خودداری شود؛
۲. استفاده از لباس سفید و تمیز برای چنین روزی، به‌خصوص برای دختران همراه با مقنعه سفید و در صورت امکان چادر سفید، در جهت جاودانگی روز تکلیف، تأثیر بسیار خوبی خواهد داشت. علاوه بر آن در روایات و احادیث اسلامی، به استفاده از لباس سفید و تمیز برای عبادت توصیه فراوانی شده است. حتی در سفارش‌های عالم ربانی «سیدبن طاووس» به فرزندش «محمد» آمده است که: فرزندم، برای چنین روزی جامه سفید و تمیزی بر تن کن و خود را برای عبادت پرودگار مهیا ساز؛
۳. هدیه دادن به نوجوان در تثبیت این روز مهم، عملی ارزنده است. حتی در روابط انسانی

میان مؤمنان و اعضای خانواده نیز توصیه شده است که به یکدیگر هدیه بدهید تا محبت‌ها بیشتر شود؛ لکن باید دقت کرد که هدایا در جهت مصرف‌گرایی و تجمل‌پرستی نباشد؛ بلکه به‌نحوی دربرگیرنده روح اسلامی و عبادی باشد؛ مثلاً اهدای کتب مفید و خواندنی، داستان‌های اخلاقی و اجتماعی، شرح حال و سیره انسان‌های بزرگ و خودساخته، کارها و بازی‌های فکری و هدایایی از این قبیل، می‌تواند تأثیر مثبت و سازنده‌ای در نوجوان به وجود آورد.

اطلاع اولیا و مربیان از کتب سالم و مفید و مورد اعتماد که متناسب با سن مخاطبان کتاب‌ها باشد و مشورت با کارشناسان مسائل کتاب و کتابخانه، می‌تواند بسیار مفید واقع شود. چنانچه والدین و اولیا احساس کردند که نوجوان به سبب علایق دنیوی، به هدایای گران‌قیمت بیش از حد اعتدال علاقه‌مند شده و روح مصرف و دنیاگرایی در او تقویت شده است، با آگاهی

بخشیدن به وی و گفت‌وگوهای سازنده اخلاقی، او را متوجه ارزش فکری و معنوی هدیه نمایند تا تعادل لازم در او به وجود آید.

برخی از نوجوانان، تمایل دارند که اطرافیان و بستگان خود را برحسب ارزش مادی هدیه آنان ارزیابی کنند و این امر در صورتی که کنترل نشود، بعدها در شخصیت اخلاقی و اجتماعی نوجوان، آثار سوئی برجای خواهد گذاشت؛

۴. تهیه و تدارک مجموعه‌ای از وسایل رشد معنوی برای نوجوان می‌تواند خاطره‌ای فراموش‌نشدنی به ارمغان بیاورد. این امر که به ذوق و سلیقه خاص اولیا و مربیان بستگی دارد، در برخی از خانواده‌ها و مدارس انجام گرفته است؛ مثلاً برای پسران تهیه جانماز مرتب و نو همراه با سجاده و شیشه کوچکی از عطر خوش‌بو و تسبیح مناسب است. برای دختران هم

چادر نماز و مقنعه سفید و متناسب، به همراه یک جلد کلام الله مجید و یک جلد کتاب دعا که همگی نو و با سلیقه تهیه شده باشد، پیشنهاد می‌شود. اهدای این وسایل به نوجوان، تأثیری بسزا در روحیات او خواهد داشت و اولین ارتباط رسمی و جدی او را با خدا، در هاله‌ای از نورانیت و عطر دل‌انگیز معنویت قرار داده، برای همیشه در اندیشه و قلب او جاودان خواهد ساخت؛

۵. اگر این جشن را خانواده در منزل برپا می‌کنند، بهتر است با دعوت از همسالان و هم‌کلاس‌های نوجوان، همچنین بستگان، دوستان و خانواده‌هایی که تناسب لازم را با این فضای اخلاقی و معنوی دارند، تأثیرگذاری این جشن را افزایش دهند. علاوه بر آن خاطره‌ای با عظمت از رسم خدای‌پسندانه را در شخصیت و روحیه همسالان و دوستان نوجوان، به وجود

آورند که درعین حال، نوجوان مکلف نیز ازسوی دوستان و با حضور آنان مورد تشویق مناسب قرار می‌گیرد؛

۶. چنانچه این جشن در مدرسه و به صورت کلاسی و جمعی انجام می‌گیرد، به‌ویژه درمدرسه دخترانه که معمولاً دانش‌آموزان در کلاس‌های سوم دبستان به حد تکلیف شرعی می‌رسند، لازم است که آنان را در جشن مدرسه شرکت دهند. حضور تمامی معلمان، مربیان پرورشی، کادر مدرسه و به‌خصوص خانواده‌های دانش‌آموزان کلاس سوم - در صورت امکان - نیز می‌تواند به اهمیت و تکریم چنین روز بزرگی بیفزاید؛

۷. حضور فردی آگاه و واجد شرایط، به‌عنوان سخنران در این جشن یقیناً می‌تواند در جهت توجیه اهداف والای جشن و انگیزه‌برگزاری آن که از روح قداست و معنویت برخوردار است،

مؤثر باشد. لازم است چنین فردی با جملات و کلماتی بسیار روان و ساده و با ذکر حکایاتی شیرین و دل‌چسب، با زبان خاص خود آنان سخن گوید. بدیهی است که با در نظر گرفتن شرایط مجلس جشن، نوجوانان، و پرهیز از خسته کردن آنان، این سخنرانی نباید طولانی و خسته‌کننده باشد؛ بلکه به‌صورتی جذاب، و مختصر و مفید، و حداکثر به مدت سی دقیقه انجام شود؛

۸. در مدارس و منازلی که جشن تکلیف برگزار می‌شود، حتی‌الامکان می‌توان با ذوق و سلیقه خاصی، فضای معنوی و روحانی مناسبی ایجاد نمود؛ مثلاً با تعدادی شمع، آوای دلنشین قرآن، استفاده از مقواهای رنگی که شعارهای جالبی همچون «روز تولد معنوی تو را تبریک می‌گوییم»، «این جشن بزرگ تکلیف بر شما مبارک باد»، «روز پیوستن تو را به صف موحدان

تبریک می‌گوییم»، «روز راه یافتن تو را به بارگاه ملکوتی خداوند گرامی می‌داریم»، «ورود باشکوهت به محضر خداوند بزرگ مشرف باد» و مانند اینها می‌توان برشکوه و عظمت این جشن افزود؛

۹. بهتر است انجمن اولیا و مربیان مدرسه، دانش‌آموزان بی‌بضاعت را از قبل شناسایی کند و روز بلوغ (تکلیف) آنان را از پیش مشخص نموده، هدایای مناسبی برایشان در نظر بگیرد. آنگاه به‌گونه‌ای که عزت نفس آنان و خانواده‌شان جریحه‌دار نشود، با رعایت موازین اخلاقی، به آنان اهدا کند تا در مقایسه با نوجوانان طبقه متوسط، خوب و یا مرفه، احساس حقارت و فاصله نمایند. این امری است که حتماً باید با ظرافت و احتیاط کامل صورت گیرد؛

۱۰. درزمینه آشنا کردن نوجوانان با بلوغ شرعی (تکلیف)، بهتر است قدری در مورد مراحل مختلف زندگی با زبان ساده برایشان توضیح داده شود. مرحله‌ی همچون سال‌های کودکی، اهمیت بزرگ شدن و به مراحل رشد عقلی و جسمی رسیدن و به‌ویژه دوره بلوغ که حد فاصل بین کودکی و جوانی است. در این صورت آنان اهمیت و عظمت دوره‌ای را که در آن قرار گرفته‌اند، به‌خوبی درک می‌کنند و آن را همچون گوهری گران‌بها و بی‌نظیر در تمامی مراحل زندگی خود حفظ نموده، ارج می‌نهند؛

۱۱. برای تعظیم شعائر و تعمیق ارزش‌های اسلامی، بهتر است در این جشن، شخصیت‌های قرآنی معرفی و تشویق شوند؛ به‌طور مثال از دانش‌آموزانی که بخشی از قرآن و تعدادی از احادیث و روایات، و یا اسامی سوره‌های قرآن را حفظ کرده‌اند و یا اینکه احکام، اصول و فروع

اسلام را به سبک نثر یا نظم فرا گرفته‌اند، دعوت شود تا با بیان آنچه از شرع مقدس می‌دانند و به سبک جالبی ارائه می‌دهند، الگوهایی از همسالان خود به نوجوانان تازه‌مکلف ارائه دهند؛

۱۲. به‌منظور معنویت بیشتر این روز، چنانچه به نوجوان غسل را تعلیم دهیم و از او بخواهیم که قبل از ورود به جشن بلوغ (تکلیف) غسل کند تا زمینه‌های تقرب بیشتر او به خدا فراهم شود، تأثیر بسزایی در جنبه‌های روحی و معنوی او خواهد داشت؛

۱۳. اگر برای مدرسه و یا خانواده مقدور باشد که بخشی از این مراسم در جوار مرقد مطهر یکی از اولیای الهی از قبیل حرم حضرت امام رضا(ع)، حرم حضرت معصومه(س)، حرم حضرت عبدالعظیم(ع) و یا مرقد مطهر حضرت امام خمینی(قدس سره) انجام گیرد، بر تأثیربخشی و نفوذ این مراسم در دل و قلب و اندیشه نوجوان خواهد افزود. در صورتی که به‌هیچ‌وجه مقدور نباشد،

فصل سوم: نوجوان و تکلیف ■ ۵۷

از فضای یکی از مساجد و یا حسینیه‌های واجد امکانات و با هماهنگی‌های قبلی و رعایت همه جوانب استفاده شود که به مراتب آثار نافذتر و راسخ‌تری در پی خواهد داشت؛

۱۴. تنظیم دعوتنامه مناسب همراه با جزوه‌های مختصر و مفید در زمینه «جشن تکلیف»

برای والدین و ارسال آن به منازل، در جهت توجیه خانواده‌ها و هماهنگی آنان با مدرسه در برپایی هرچه بهتر و مؤثرتر این مراسم بسیار مناسب خواهد بود.^۱

۱. در این زمینه جزوه‌ای از سوی امور تربیتی استان تهران تهیه و تدوین شده است که می‌توان برای اطلاع بیشتر به آن رجوع نمود.

فصل چهارم:

دانشتهای

تکلیف



در این فصل گزیده‌ای از دانستی‌های لازم دینی که دختران در زمان تکلیف باید با آن آشنا شوند، ذکر می‌شود.*

شرایط تکلیف

در دین اسلام، در صورتی انسان موظف است دستورهای دینی و واجبات را انجام دهد و حرام‌ها را ترک کند که شرایط زیر را داشته باشد. به اینها «شرایط تکلیف» می‌گویند.

*. برگرفته از: کتابچه جشن تکلیف ویژه دختران، محمد محمدی ری‌شهری.

۱. بلوغ؛
۲. عقل؛
۳. علم؛
۴. قدرت.

اما توضیح مختصر دربارهٔ اینها به این شرح است:

«بلوغ» یعنی رسیدن فرد به حدّی از شرایط جسمی که بتواند تکلیف‌های الهی را انجام دهد. این نشانه‌هایی دارد، از جمله تمام شدن نه سال و وارد شدن به ده‌سالگی که شرط سنی در دختران است. دختران از نظر سن زودتر از پسران به تکلیف می‌رسند و این نوعی امتیاز برای آنان و نشان آمادگی بیشترشان است.

فصل چهارم: دانستنی‌های تکلیف ■ ۶۳

«عقل» یعنی نیروی شناخت خوب و بد که در انسان است. کسی که دیوانه و سفیه باشد، تکلیف هم ندارد. عقل، پایه همه تکلیف‌های دینی است.

«علم» یعنی دانستن احکام خدا. کسی که حکم خدا را نداند، تکلیفی هم ندارد. البته انسان وظیفه دارد که احکام را یاد بگیرد و به بهانه ندانستن، نمی‌تواند از انجام وظایف دینی خودداری کند.

«قدرت» یعنی توانایی برای انجام تکلیف؛ چه توانایی جسمی باشد یا مالی یا فکری. تکلیف هرکس هم به اندازه قدرت اوست و اگر انجام وظیفه‌ای برای کسی ممکن نباشد، برای او واجب نیست؛ مثلاً کسی که نتواند روزه بگیرد یا قدرت جنگیدن نداشته باشد، روزه و جهاد از عهده او برداشته می‌شود. خداوند از هیچ‌کس بیش از توانایی او تکلیفی نخواست است.

دین اسلام، دینی آسان و مطابق با عقل و منطق و فطرتِ انسان است و نباید با سخت-گیری‌های بیش از حد، مردم را از دین بیزار کرد.

خداوند هم در مقابل انجام تکالیف و ترک حرام‌ها به انسان پاداش می‌دهد، پاداشی بیشتر از عمل انسان، و این از لطف و مهربانی خداوند نسبت به بندگان است.

ناگفته نماند که همهٔ دستورهای دینی چه واجبات، چه حرام‌ها و چه آنچه مستحب یا مکروه است، حکمت و دلیلی دارد و هیچ‌یک از آنها بی دلیل و علت نیست؛ خواه فلسفه و علت آنها را بدانیم یا ندانیم. البته دانشمندان به کمک علم، راز برخی از احکام الهی را کشف کرده‌اند، ولی بسیاری از احکام است که چون فرمان خداوندِ حکیم و داناست، به آنها عمل می‌کنیم و آنها را می‌پذیریم؛ هرچند علت آن را هنوز ندانسته باشیم.

این را هم بدانیم که سود و زیانِ واجبات و محرّمات، تنها مربوط به جسم ما نیست؛ بلکه برخی از آثار تکلیف‌ها به فکر و روان و اخلاق ما مربوط می‌شود. چون انسان ترکیبی از جسم و جان است، نیازهای او هم بعضی جسمی و بعضی روحی است. قوانین اسلام هم به هر دو جنبهٔ جسم و روح توجه دارد.

نتیجهٔ نهایی انجام تکالیف دینی و پرهیز از آنچه ممنوع و حرام است، به کمالِ انسان مربوط می‌شود. یعنی مسلمانی که به همهٔ وظایف خود عمل کند و بندهٔ خالص و مطیع پروردگار باشد، «انسان کامل» می‌شود، انسانی که مقامش از فرشتگان هم بالاتر است. قبل از بیانِ این دانستنی‌ها به یک موضوع مهمّ اشاره می‌کنیم و آن عبارت است از «تقلید».

تقلید یعنی اینکه یک مسلمان در برنامه‌های عملی زندگی و احکام شرعی از یک «مجتهد» پیروی کند. همان‌طور که در هر موضوعی مثلاً درمان بیماری یا تعمیر وسایل خانه یا دوختن لباس یا یاد گرفتن یک زبان یا صنعت، انسان به کارشناس و متخصص مراجعه می‌کند، در احکام دین هم باید به متخصص رجوع کند.

به کسی که در مسائل دینی و احکام شرعی متخصص باشد، «مجتهد» و «فقیه» گفته می‌شود و عمل کردن به نظر مجتهد را «تقلید» می‌گویند.

امام صادق(ع) فرموده است:

«از فقیهان و مجتهدانی تقلید کنید که خویشان‌دار و مخالف هوای نفس و مطیع فرمان

خدا باشند».

مجموعه دانستنی‌های عملی که به نام «واجبات» و «محرمات» نامیده می‌شوند، بسیار است؛ اما در اینجا به برخی از آنها اشاره می‌کنیم.

توضیح بیشتر تکالیف دینی را می‌توانید با مراجعه به «توضیح المسائل» بیاموزید. در رساله‌های احکام، نظر و فتوای مجتهدی را که از او تقلید می‌کنید، نوشته‌اند.

واجبات

- نماز (از مهم‌ترین تکلیف‌ها و ستون دین است، و نباید آن را ترک کرد)؛
- روزه (در ماه رمضان، طبق برنامه خاصی از خوردن و آشامیدن پرهیز می‌کنند)؛
- خمس و زکات (نوعی پرداخت مال که شرایط خاصی دارد و در رساله‌ها بیان شده است)؛

- حج (زیارت خانه خدا در مکه، برای آنان که از نظر مالی و بدنی توانایی داشته باشند)؛
 - جهاد (مبارزه با دشمنان خدا و دفاع از اسلام و کشور اسلامی)؛
 - امر به معروف و نهی از منکر (وادار کردن دیگران به کارهای خوب و واجب، و جلوگیری و نهی از کارهای ناپسند و حرام، که این هم مثل نماز و روزه، وظیفه همگان است)؛
 - تولی و تبری (دوستی کردن با دوستان خدا و دشمنی کردن با دشمنان خدا).
- به این واجبات، «فروع دین» می گویند و در کیفیت انجام دادن آنها باید طبق نظر مجتهدی که از او تقلید می کنیم، رفتار نماییم.

محرّمات

آنچه در اسلام «حرام» و ممنوع است، یک مکلف باید از آنها اجتناب و دوری کند. گناهان هم زیاد است. بعضی کوچک‌اند (گناهان صغیره) و برخی بزرگ (گناهان کبیره)، که مجازاتِ آنها هم سخت‌تر است.

برخی از گناهان بزرگ عبارت‌اند از:

- آزار پدر و مادر؛
- دروغ‌گویی و قسم دروغ خوردن؛
- غیبت (پشت سر دیگران حرف زدن و عیب آنها را فاش کردن)؛
- سخن‌چینی (نقل حرف‌های این و آن به یکدیگر و ایجاد اختلاف و دشمنی)؛

- استهزاء (مسخره کردن دیگران، چه با حرف و زبان، چه با اشاره و حرکات)؛
- اسراف (ولخرجی و هدر دادن نعمت‌های خدا و ریخت‌وپاش در خوردنی‌ها و آشامیدنی‌ها و پوشیدنی‌ها)؛
- بی‌نمازی (نخواندن نماز و سهل‌انگاری در انجام این وظیفه مهم)؛
- تهمت (به دیگران نسبت‌های ناروا دادن و متهم کردن به کارهای بدی که انجام نداده‌اند)؛
- بی‌حجابی (خود را از نامحرم نپوشاندن و ارتباط‌های حرام با نامحرم داشتن)؛
- سرگرمی به لهو و لعب (کارهای بی‌بهره و زیان‌آور، از جمله سرگرمی به عکس‌های مبتذل و موسیقی که وقت را هدر می‌دهد و فکر را خراب می‌کند)؛

- قمار (بازی با وسایل مخصوص قمار، و برد و باخت با هر وسیله دیگر)؛
 - دزدی (ربودن پول و وسایل دیگران)؛
 - خیانت (سوءاستفاده از اعتماد دیگران، همچون خیانت در امانت و روابط مختلف همچون روابط کاری و خانوادگی)؛
- و گناهان دیگری مثل: خوردن مُردار، خون و گوشتِ خوک، شراب خوردن، استعمال مواد مخدر، دروغ بستن به خدا و پیغمبر، فرار از جبههٔ جنگ، فاش کردن اسرار، خوردن مال یتیم، پیمان‌شکنی و کمک به ظالم.
- مسلمان واقعی کسی است که از دستورهای خدا کاملاً پیروی کند و با نافرمانی در مقابل پروردگار، خود را گنهکار و اهل دوزخ نسازد.

گناه هرچه کوچک باشد، چون نافرمانی و سرپیچی از فرمان خدای بزرگ است، بزرگ به حساب می‌آید.

توبه

اگر خدای نکرده کسی اشتباه کرده، فریب شیطان را خورد و مرتکب یکی از گناهان شد یا وظایف واجب را انجام نداد، به چنین کسی «گناهکار» گفته می‌شود. خوشبختانه خدای مهربان، راه خوب شدن را به روی انسان‌ها باز گذاشته و از گناهکاران خواسته است که «توبه» کنند.

توبه، یعنی پشیمان شدن از گناه و کار زشتی که انسان انجام داده است و تصمیم گرفتن برای آنکه دیگر آن کار را انجام ندهد و گفتن «أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ رَبِّي وَأَتُوبُ إِلَيْهِ».

خودِ توبه، از واجبات است و نباید آن را به تأخیر انداخت. در اولین فرصت، انسان باید از خطای خود پشیمان شود و توبه کند. خداوند هم قول داده است هرکس که جدی و از ته قلب توبه کند و از گناه دست بکشد، توبه او را بپذیرد و گناهان او را ببخشد. خداوند، توبه‌کنندگان را دوست دارد. پس نباید از رحمت خداوند مأیوس بود. ادامهٔ گناه، خودش گناه بزرگی است. از خدا بخواهیم که گناه ما را بیامرزد و توفیق دهد که هرگز از دستورهای او نافرمانی نکنیم.

فصل پنجم:

پوشش
بانوان



در این بخش، سه آیه از قرآن کریم را که به بحث حجاب و عفاف زنان می‌پردازد، برای شما عزیزان بیان کرده و سپس به نقل بیاناتی زیبا از رهبر حکیم انقلاب خواهیم پرداخت.

پوشش در قرآن

۱. محارم دختران

لَا جُنَاحَ عَلَيْهِنَّ فِي آبَائِهِنَّ وَلَا أَبْنَائِهِنَّ وَلَا إِخْوَانِهِنَّ وَلَا أَبْنَاءَ إِخْوَانِهِنَّ وَلَا أَخَوَاتِهِنَّ
وَلَا نِسَائِهِنَّ وَلَا مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُنَّ وَاتَّقِينَ اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدًا^۱

بر زنان در مورد پدران و پسران و برادران و پسران برادران و پسران خواهران و زنان و بردگانشان عیبی نیست [که دیده شوند]، و باید از خدا پروا بدارید که خدا همواره بر هر چیزی گواه است.

۲. محارم زنان

وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَلْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَىٰ جُيُوبِهِنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ أَوْ آبَائِهِنَّ أَوْ أَبْنَائِهِنَّ أَوْ أَبْنَائِهِنَّ أَوْ أَبْنَاءِ بُعُولَتِهِنَّ أَوْ إِخْوَانِهِنَّ أَوْ بَنِي إِخْوَانِهِنَّ أَوْ بَنِي أَخَوَاتِهِنَّ أَوْ نِسَائِهِنَّ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُنَّ أَوِ التَّابِعِينَ غَيْرِ أُولَى الْوَالِدَةِ مِنَ الرِّجَالِ أَوِ الطِّفْلِ الَّذِينَ لَمْ

يَظْهَرُوا عَلَى عَوْرَاتِ النِّسَاءِ وَلَا يَضْرِبْنَ بَأَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا يُخْفِينَ مِنْ زِينَتِهِنَّ وَتَوْبُوا إِلَى اللَّهِ جَمِيعًا أَيُّهُ الْمُؤْمِنُونَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ؛^۱

و به زنان باایمان بگو چشم‌های خود را [از نگاه هوس‌آلود] فرو گیرند، و دامان خویش را حفظ کنند و زینت خود را - جز آن مقدار که نمایان است - آشکار ننمایند و [اطراف] روسری‌های خود را بر سینه خود افکنند [تا گردن و سینه با آن پوشانده شود]، و زینت خود را آشکار نسازند، مگر برای شوهرانشان یا پدرانشان یا پدر شوهرانشان یا پسرانشان یا پسران همسرانشان، یا برادرانشان، یا پسران برادرانشان، یا پسران خواهرانشان، یا زنان هم‌کیشان، یا

بردگانشان [کنیزانشان]، یا افرادی که تمایلی به زن ندارند، یا کودکانی که از امور جنسی مربوط به زنان آگاه نیستند؛ و هنگام راه رفتن، پاهای خود را به زمین نزنند تا مبادا زینت پنهانی‌شان دانسته شود؛ و همگی به سوی خدا بازگردید ای مؤمنان، تا رستگار شوید.

۳. پوشش زن مسلمان

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِّأَزْوَاجِكَ وَبَنَاتِكَ وَنِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ ذَٰلِكَ أَدْنَىٰ أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذَيْنَ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا^۱

ای پیامبر، به زنان و دخترانت و به زنان مؤمنان بگو جلباب‌هایشان (چادرها و روسری‌های بلند) را بر خویش فرو افکنند؛ این برای آنکه شناخته شوند و مورد آزار قرار نگیرند [به احتیاط] نزدیک‌تر است، و خدا آمرزندهٔ مهربان است.

حجاب در کلام آفتاب

حجاب برای زن به معنای ذلت زن نیست؛ بلکه به معنای عصمت و حفظ زن است، و نه فقط عصمت و حفظ زن، بلکه عصمت و حفاظت زن و مرد هر دو. حجاب به معنای چادر نیست؛ اما چادر در نزد ما ایرانی‌ها که زن‌های ما از قدیم داشتند، بهترین نوع حجاب است. بدون چادر هم حجاب ممکن است و حجاب به معنای پوشیدن سالم، نه پوشیدنی که از نپوشیدن بدتر است. به تعبیر روایات پوشیدهٔ عریان که در عین پوشیدگی مثل انسان برهنه و عریان است. آن پوشیدن

به درد نمی‌خورد؛ حجاب نیست؛ پوشیدن سالم که سر و مو و گردن و بدن و تمام سر تا پای بدن زن را پوشانده باشد. البته صورت و دو دست را بسیاری فقها مستثنا می‌دانند. البته در مواردی که صورت بدون آرایش و ساده باشد؛ این هم معنای حجاب.

البته زن‌های ایرانی روش چادر را پیدا کرده‌اند که بسیار هم روش خوبی است و هم زیباست و منافی با زیبایی زن نیست و هم حجاب حافظ کامل است. به‌هرحال حجاب را چه به شکل ایرانی، چه به شکل عربی، چه به شکل کشورهای دیگر که در هریک از کشورهای اسلامی زن‌ها یک جور حجاب خود را حفظ می‌کنند، هرچوری که حجاب حفظ بشود، این نظر اسلام تأمین شده است. این یکی از پیشگیری‌های اسلام است.^۱

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب در خطبه‌های نماز جمعه، ۶۵/۵/۱۷ (آئینه زن، ص ۲۴۱).

مردم ما چادر را انتخاب کرده‌اند. البته ما هیچ‌وقت نگفتیم که «حتماً چادر باشد، و غیرچادر نباشد». گفتیم که «چادر بهتر از حجاب‌های دیگر است»؛ ولی زنان ما می‌خواهند حجاب خودشان را حفظ کنند. چادر را هم دوست دارند. چادر، لباس ملی ماست. چادر، پیش از آنکه یک حجاب اسلامی باشد، یک حجاب ایرانی است. مال مردم ما و لباس ملی ماست.^۱

مسئله حجاب به معنای منزوی کردن زن نیست. اگر کسی چنین برداشتی از حجاب داشته باشد، این یک برداشت کاملاً غلط است. مسئله حجاب به معنای جلوگیری از اختلاط و آمیزش

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار جمعی از پرستاران، ۷/۲۰/۷۳.

بی‌قید و شرط زن و مرد در جامعه است؛ زیرا آمیزش و اختلاط بی‌قید و شرط، هم به ضرر جامعه و هم به ضرر زن و مرد به‌خصوص به ضرر زن است.^۱

همیشه ما در طول زمان هروقت گفتیم حجاب و عفت، عده‌ای گفتند آقا حجاب به عفت چه کار دارد؟ خیلی‌ها حجاب دارند، عفت ندارند؛ خیلی هم عفت دارند، حجاب ندارند. در طول زمان هروقت ما این حرف را می‌گفتیم تا حالا بعضی این را می‌گویند؛ درحالی‌که این حرف درستی نیست. عفت یک چیز است، حجاب یک چیز دیگر. اما عفت آن چیز غیرقابل دسترسی و غیرقابل تأثیرپذیری و آن صخرهٔ آسیب‌ناپذیر در انسان نیست؛ مثل همهٔ خلقیات و خصلت‌های انسانی در معرض تهاجم قرار می‌گیرد. یکی از چیزهایی که می‌تواند آن را از تهاجم

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار گروهی از خواهران پزشک سراسر کشور، ۶۸/۱۰/۲۶

به دور بدارد و عفاف زن و طهارت او و تقوای او و حالت پرهیز و عصمت را در او نگه دارد، نداشتن معاشرت نامناسب در محیط زندگی و محیط کار و محیط جامعه است. معاشرت نامناسب یعنی معاشرتی که در او جهات فرهنگی و اخلاقی خاص رعایت نشده باشد. آن چیزی که می‌تواند به این نگهداری و مصون‌سازی و جداسازی کمک کند، حجاب است. بهترین چیز حجاب است؛ حجاب از طرف زن و حجاب از طرف مرد. حجاب مرد هم نگاه نکردن است. حجاب یعنی مانع یعنی فاصل در زن.^۱

از نظر غرب و فرهنگ غربی یکی از ارزش‌هایی که برای زن متصور است این است که با وجود خود و با شخصیت خود وسایل التذاذ و بهره‌مندی دیگران را فراهم آورد. لذا وقتی ما

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب در سمینار نقش زن در جامعه، ۶۴/۱۲/۱۱ (آیینۀ زن، ص ۲۲۵).

براساس فرهنگ اسلامی اعلام می‌کنیم که اسلام برای معاشرت زن و مرد محدودیتی قائل شده و معاشرت بی‌قید و شرط زن و مرد را جایز ندانسته، ما را متهم می‌کنند که شما به زن اهانت می‌کنید. درحالی‌که اهانت آن چیزی است که در فرهنگ غرب نسبت به شخصیت زن دیده می‌شود.^۱

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب در کنگره بین‌المللی زن و انقلاب جهانی اسلام، ۶۶/۱۱/۱۷ (آیینۀ زن، ص ۲۳۰).

فصل ششم:

پرسش و
پاسخ



عوامل رشد و انحراف فرزندان

بعضی از فرزندان در دامان مادران و پدران پاک رشد می‌کنند، ولی بعداً نسبت به مسائل دینی بی‌اهمیت می‌شوند و برعکس؛ علت چیست؟ چه باید کرد که فرزندان این‌طور نباشند؟

اسباب و عوامل انحراف و گمراهی و فساد اخلاق در جامعه بسیار است. اگر پدر و مادر، مربیان و جامعه، احساس مسئولیت نکنند و در راه حفظ امانت و ودیعه الهی؛ یعنی کودکان و نوجوانان و جوانان نکوشند و اسباب و عوامل انحراف را نشناخته، راه مبارزه با آنها را ندانند، بدون شک، نوباوگان و نسل نوحاسته در دام فساد و بدبختی گرفتار می‌شوند.

عوامل انحراف فرزندان:

۱. فقر: یکی از عواملی که می‌تواند فرزندان را به بیراهه بکشاند، فقر پدر و مادر است. طفلی که از غذا و لباس کافی محروم است، و کسی او را نمی‌بیند تا اندکی از غم جان‌کاهش بکاهد و نور امیدی بر کانون زندگی خانوادگی‌اش بتابد، ناگزیر برای سیر کردن شکم و پوشاندن اندام نحیفش از خانه بیرون رفته، دنبال جنایت و خیانت می‌رود؛

۲. اختلافات خانوادگی: از عوامل مهم انحراف، اختلاف و مشاجرات پدرها و مادرهاست. کودکی که در چنین اختلافاتی گرفتار شود، از خانه می‌گریزد. در نتیجه با افراد ناباب همراه شده، گرفتار عادات و اخلاق ناپسند می‌شود؛

۳. نداشتن سرگرمی: یکی از عوامل انحراف و فساد، بیکاری است. جوانان و نوجوانان اوقات بیکاری زیادی دارند که باید برای آنها چاره‌اندیشی کرد؛

۴. رفتار نادرست والدین: اگر فرزند از ناحیه والدین، با اخلاق و رفتار نادرست مواجه شود، اخلاقش فاسد و تباه می‌گردد. توبیخ، تحقیر، زدن و تهدید کردن، همه و همه از رفتارها و اخلاق زشت و ناپسند والدین است و نوجوانان را به بدبختی و فساد کشانده، به فرار از خانه وامی‌دارد. وقتی مادر یا پدر با بداخلاقی، و تندى و خشونت با فرزند برخورد کند، خواه‌ناخواه تاب و توان فرزند کم شده، در مقابل پدر و مادر ایستادگی و اهانت می‌کند و یا پا به فرار از خانه می‌گذارد. در نتیجه عنصر جرم و بزهکاری در جامعه می‌گردد؛

۵. داستان و فیلم‌های جنایی و غیرمجاز: تماشای این‌گونه فیلم‌ها اثر منفی در تربیت فرزندان دارد که خانواده باید با جدیت تمام فرزندان خود را از آن بازدارند.
عوامل رشد و هدایت فرزندان:

۱. اخلاق و رفتار خوب پدر و مادر: اخلاق و رفتار مناسب و شایسته پدر و مادر با فرزندان زمینه مساعدی برای رشد و آگاهی و هدایت آنهاست؛
۲. دوستان خوب: گاهی فرزندان در مدرسه یا در کوچه با افراد خوب دوست می‌شوند و تحت تأثیر آنان قرار می‌گیرند، در نتیجه این دوستی کم‌کم باعث هدایت و خوبی آنان می‌شود؛
۳. مربی و معلم خوب: مربی خوب در هدایت فرزندان بسیار مؤثر است، گاهی فرزند از یک خانواده معتقد و مذهبی نیست، ولی بر اثر هدایت‌های یک روحانی یا یک مربی خوب به راه راست هدایت می‌شود؛
۴. مطالعه: مطالعه کتاب و نوشته‌های خوب و مفید نیز در رشد و هدایت جوانان بسیار مؤثر است.

راهکارهای تربیت

لطفا راه‌های تربیت کودکان را از دید دانشمندان بیان کنید.

دانشمندان و پژوهشگران امر تربیت، بهترین و مؤثرترین راهکار وصول به هدف‌های

مطلوب تربیتی، به‌خصوص در امر تربیت کودکان را پنج چیز می‌دانند:

۱. استفاده از روش الگویی یا آموزش رفتاری به‌جای گفتاری؛

۲. تقویت روحیه برترگرایی یا کمال‌طلبی؛

۳. تشویق و تمجید؛

۴. استفاده از مکان‌های مقدس و شعائر مذهبی؛

۵. استفاده از طبیعت در بیدارسازی حس مذهبی.

۱. روش الگویی

روش الگویی بهترین، مؤثرترین و طبیعی‌ترین وسیله برای انتقال ارزش‌های اخلاقی و فرهنگی در خانواده است. باید به‌جای گفتار و پند و نصیحت، با رفتار و عمل خویش آموزش دهیم و جوّ خانه را چنان کنیم که زندگی در آن فضای تربیتی به تربیت فرزندان کمک کند. چون فرزندان بسان درختانی هستند که در آب و خاک خانه رشد می‌کنند و معمولاً متناسب با همان آب و خاک میوه می‌دهند.

تقیّد والدین به نماز اول وقت، انجام عبادت در مکان مشخص و ثابتی در منزل، استفاده از سجاده، پوشیدن لباس نظیف و معطر، باعث قداست و معنویت بیشتر عبادت و جذب و گرایش فرزندان به این فریضه الهی می‌شود.

۲. معرفی الگوهای برتر و تقویت روحیه برترگرایی

یکی از ویژگی‌های فطری و امیال درونی انسان «روحیه برترگرایی» و یا «کمال‌طلبی و جمال-گرایی» است. انسان به هر کاری، شغلی، علمی، مقصدی و حتی بازی و ورزشی که علاقه داشته باشد به «برترین‌ها و قهرمانان» آن گرایش و علاقه دارد. با استفاده از ادبیات کودکان می‌توان انسان‌هایی را به کودکان معرفی کرد که «عبادت» و علاقه به نماز و فرهنگ آن، باعث جاودانگی آنان در تاریخ بشریت و محبوبیت آنها نزد خدا و انسان‌های شریف شده است.

۳. تشویق

به‌منظور خوشایندسازی دین و مفاهیم و رفتارهای دینی در ذائقه کودکان، و دلگرمی آنان باید از ابزارهای مختلف تشویق کلامی و غیرکلامی به‌خصوص در انظار دیگران بهره جست.

۴. استفاده از مکان‌های مقدس

بردن کودک به مساجد و مجالس جشن مذهبی و عزاداری، شنیدن صدای قرآن با صوت دلنشین، دیدن اقامه نماز بزرگ‌ترها و مشاهده زمزمه‌های عاشقانه انسان‌ها در تلطیف روح کودکان مؤثر است.

۵. استفاده از طبیعت در بیداری حس مذهبی کودک

طبیعت سرشار از زیبایی‌ها و پاکی‌هاست. هر قدر کودکان، از جامعه آلوده فاصله بگیرند و به همان نسبت به مشاهده دشت و بیابان و دامن طبیعت نزدیک شوند، به صفا و پاکی فطرت نزدیک می‌شوند. آنان با نگاه کردن به ماه و ستارگان، کوه‌ها و صخره‌ها، آبشارها و جویبارها، و حیوانات زیبا همچون پرندگان و ماهیان دریا، نشانه‌ها و نعمت‌های الهی را دیده، با آنها آشنا می‌شوند. در ضمن با رسیدن به نشاط و سرور روحی، و دست یافتن به لذت‌های طبیعی، از

غفلت‌ها و آلودگی‌هایی که جامعهٔ امروزی برای کودکان و نوجوانان و جوانان فراهم کرده است، دور می‌مانند. در نتیجه حس خداجویی آنان در مسیر طبیعی رشد پیدا می‌کند و با یک تلنگر و اشاره می‌توان آنان را با نماز و عبادت، و تسبیح موجودات جهان براساس «يُسَبِّحُ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ» آشنا و مأنوس کرد.

بی‌توجهی کودکان به مسائل دینی

بعضی از کودکان قبل از اینکه به سن بلوغ برسند، در انجام فرایض دینی از ما پیشی می‌گیرند؛ ولی وقتی به سن تکلیف می‌رسند، در انجام فرایض دینی دچار سستی شده، در مواردی از انجام آن خودداری می‌کنند. وقتی بزرگترها از آنان می‌پرسند که آیا نماز خود را خوانده‌اید، متوسل به دروغ شده، می‌گویند خوانده‌ایم. در این موارد چه کنیم؟

برخی بر این عقیده‌اند که اگر کودکان، پدران و مادران خود را الگو قرار بدهند و بزرگ‌ترها همه در انجام وظایف دینی اهتمام و مراقبت کافی داشته باشند، کودکان خودبه‌خود از آنان تبعیت خواهند کرد؛ اما باید اعتراف کرد در برخی خانواده‌هایی که پدران و مادران با اهتمام و دقت، در اول وقت به نماز می‌پردازند نیز این مشکل وجود دارد.

بررسی‌ها نشان می‌دهد که در چنین مواردی مقصر اصلی والدین و خانواده‌اند؛ زیرا آنچه را به فرزندان خویش آموخته‌اند، شکل ظاهری نماز خواندن بوده است.

بدیهی است در دورهٔ کودکی، اساس یادگیری کودکان بر پایهٔ تقلید است. کودکان در دوران کودکی، حرکات پدران و مادران خود را تقلید می‌کنند و انجام می‌دهند، و والدین گمان می‌کنند آنها با علاقه و عشق به خواندن نماز می‌پردازند. البته ممکن است با عشق و علاقه عبادت

کنند؛ اما عشقی احساسی، عاطفی و بر پایه تقلید؛ نه مبتنی بر معرفت و آگاهی. طبیعی است وقتی کودک دوره تقلید را پشت سر می‌گذارد و در سنین بلوغ به تفکر و اندیشه می‌پردازد، همه اموری را که قبلاً براساس تقلید انجام داده، یکی پس از دیگری رها می‌کند. پدر و مادر ناگهان احساس می‌کنند که کودک نمازخوان دیروز، امروز از نماز خواندن خودداری می‌کند. علت آن است که پدران و مادران به‌جای بیدار ساختن روح دینی و مذهبی در کودکان، به عقل تقلیدی فرزندان خود دل‌شاد گشته و باور کرده بودند که وظیفه خود را انجام داده‌اند.

بدیهی است اگر فریضة نماز در دوره کودکی براساس «بیداری حس دینی» انجام شده باشد، کودک هرگز خواندن آن را ترک نمی‌کند. بنابراین اگرچه روش‌های الگویی و تقلیدی و تشویقی در برهه‌ای از زمان مفید و مؤثر است، اما همیشه کارساز نیست، بلکه باید در عرض یا

طول آنها (به تناسب استعدادهای متفاوت بچه‌ها) و از راه بیان حکمت‌ها و هدف‌های آفرینش و عبادت‌ها با رعایت ادبیات کودکانه، حس دینی و مذهبی آنان را بیدار و آگاه ساخت.

حفاظت از فرزندان در تهاجم فرهنگی

در شرایط فعلی که تهاجم فرهنگی گسترده دشمن را در بین جوانان شاهد هستیم، چگونه می‌توان فرزندان را نسبت به مسائل دینی پایبند نگه داشت؟

مناسب‌ترین بستر برای ظهور رفتارهای مذهبی، خانواده است. وقتی فرزندان ارزش‌های اخلاقی را به‌طور مجسم در رفتار و زندگی والدین خود می‌بینند، با عظمت و زیبایی و جاذبه آنها آشنا می‌شوند. در این صورت زمینه برای شکوفایی و درونی شدن مفاهیم اخلاقی فراهم می‌شود. از این‌رو، امواج بدون دیوار رسانه‌های ارتباطی و ماهواره‌ها نمی‌تواند دل‌های جوانان را تسخیر کند.

فصل ششم: پرسش و پاسخ ■ ۱۰۱

فرزندان ما بیش از آنکه به گفتار ما نظر افکنند، اعمال ما را زیر نظر دارند. همچنان که گفته‌اند: بچه‌های ما آن‌گونه می‌شوند که ما هستیم؛ نه آن‌گونه که می‌خواهیم باشند.

استاد مطهری می‌گوید: «متأسفانه ما بیش از اندازه از گوش و زبان، انتظار داریم. گاهی هم باید از راه عمل و چشم استفاده کنیم. ما با دست خود و عمل خویش، خوب رفتار کنیم تا آنها با چشم خودشان ببینند. یک مقداری هم به این گوش و زبان بیچاره استراحت بدهیم».^۱

نکته مهم دیگر آن است که قبل از انتقال ارزش‌ها و مفاهیم اعتقادی باید زمینه لازم عاطفی و روانی آن برای کودک فراهم شده باشد. گرایش فرزندان به پذیرش دستورهای دینی در سایه احساس شخصیت و عزت نفس تحقق می‌یابد. ایجاد جوّ معنوی و احترام‌آمیز توسط

۱. مرتضی مطهری، ده گفتار، ص ۶۷ - ۶۸.

والدین، تشویق و ترغیب فرزندان، پرهیز از تحمیل عقاید و سخت‌گیری بیجا، رفیق شدن با آنها و اتخاذ روش آزادمنشانه در محیطی آرام، در پرورش دینی بسیار مؤثر است. امام علی(ع) می‌فرماید: مَنْ كَرُمَتْ عَلَيْهِ نَفْسُهُ هَانَتْ عَلَيْهِ شَهَوَاتُهُ؛ «کسی که خود را گرامی دارد، هوی و هوس را خوار شمارد».^۱

نکته آخر، عادت دادن کودکان به عبادات و اجرای دستورهای دینی است. نباید انجام تکالیف را تا زمان بلوغ به تأخیر انداخت. اگر این کار در ایام کودکی انجام گیرد و به صورت عادت درآید، در زمان بلوغ انجام آن سخت نخواهد بود.

۱. سید رضی، نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، ص ۵۲۶، حکمت ۴۴۹.

امام صادق(ع) می‌فرماید: «ما فرزندانمان را در سن هفت‌سالگی به مقدار توانشان دستور می‌دهیم که روزه بگیرند؛ تا نصف روز یا بیشتر یا کمتر. وقتی تشنگی یا گرسنگی بر آنان غلبه کرد، افطار می‌کنند. این عمل را به این دلیل انجام می‌دهیم تا به‌تدریج به روزه گرفتن عادت نمایند و قدرت آن را پیدا کنند؛ زیرا اگر صفات پسندیده به‌صورت عادت درآید، به‌آسانی قابل تغییر نیست.»^۱ یکی از راه‌های مفید در این راه استفاده از تشویق است. خانواده‌هایی که از فرصت دوران کودکی استفاده نمی‌کنند، در دوران بلوغ معمولاً با مشکلات جدی روبه‌رو می‌شوند. پدر و مادر باید فرزندان خود را به مجالس و مراسم دینی ببرند و در نماز جماعت شرکت کنند. این مراسم برای پرورش عواطف دینی کودکان بسیار مؤثر است. باید خلأهای

۱. محمدبن حسن عاملی، وسائل الشیعه، ج ۷، ص ۱۶۸.

فکری و اوقات فراغت را با برنامه‌های خوب و مفید پر کرد. نباید تربیت صرفاً جنبه نهی و منع داشته باشد؛ بلکه باید با ورزش، آموزش، تفریحات سالم، مطالعه کتاب و برنامه‌های متنوع، مفید و مفرح همراه شود تا نیازهای کودکان به‌گونه صحیح برآورده گردد.

دعوت فرزندان به نماز

چگونه فرزندانمان را به نماز دعوت کنیم؟

از آنجا که درباره روش‌های موثر در جذب کودک به آموزه‌های دینی سخن فراوان است و بنای ما بر اختصار است، به صورت مختصر چند روش کاربردی که والدین می‌توانند، با به کارگیری آنها اثر مثبت در نهادینه نمودن نماز در فرزند خود به جا بگذارند، توضیح داده می‌شود:

۱. الگو دهی

از جمله روش‌های مؤثر و مطرح در روانشناسی رشد، روش الگوپذیری است. اگر والدین قبل از اینکه بخواهند کودک را با آداب اسلامی آشنا کنند، خود متخلق به اخلاق نبوی و اسلامی باشند و خود عمل کنند، کودک نیز تقلید کرده و عمل خواهد کرد، زیرا در سنین ۱ تا ۷ سال کودک به شدت تقلید پذیر است و بدون دانستن فلسفه کار صرفاً آن را تکرار می‌کند. البته این روش الگویی حتی نسبت به افراد بزرگسال نیز تأثیرگذار است.

۲. فضاسازی معنوی

فرزندى که در خانواده‌ای لبریز از یاد و محبت خدا به دنیا می‌آید، نیازی ندارد که آموزشی ویژه برای قبول نماز ببیند؛ زیرا از همان آغاز تولد در گوشش اذان و اقامه می‌گویند و او را به

«صلوه» و «فلاح» و «خیرالعمل» دعوت می‌کنند. در خانه‌ای که والدین به مناجات شبانه بر می‌خیزند و اهل خانه همگی معتقد و مقید به آداب دینی هستند، کمتر پیش می‌آید فرزندشان گریزان و روی گردان از خدا باشد.

۳. پاسخ به کنجکاو‌های کودک

کنجکاو‌ی کودک، ویژگی طبیعی او است که پاسخ به آن ضمن ایجاد آرامش روحی و روانی در کودک، فرصت مناسبی را برای والدین به وجود می‌آورد تا رفتارهای مناسب و مطلوب را در او پرورش دهند. بر این اساس وقتی که فرزندان از ما در مورد مسائل اعتقادی و نماز می‌پرسند، فرصت مناسب برای ما به وجود آورده‌اند، تا بتوانیم با پاسخ‌های مناسب و یا طرح سؤالات مؤثر در او اثر تربیتی بگذاریم.

۴. آموزش تدریجی در حد توان

پدر و مادر باید این را باور کنند که همان گونه که در تأمین نیازهای مادی کودک مسئولیت دارند، در قبال تأمین نیازهای معنوی نیز موظف هستند. امام باقر(ع) در گفتاری حکیمانه مراحل تربیت معنوی فرزندان را شرح داده و چگونگی تربیت آنان را در سنین مختلف بیان می‌دارد؛ طبق رهنمود آن حضرت، والدین باید در سه سالگی کلمه توحید «لا اله الا الله» را به کودک یاد دهند. در چهار سالگی کلمه رسالت «محمد رسول الله» را به او بیاموزند و در پایان پنج سالگی او را آزمایش کنند، اگر راست و چپ را می‌شناسد، صورتش را به سوی قبله متوجه ساخته و به او بگویند رو به سوی قبله سجده کند. در شش سالگی اجزاء نماز، رکوع و سجده صحیح را یادش دهند تا سن او به آخر سال هفتم برسد؛ در آن موقع به او بگویند دست‌ها و

صورتش را بشوید و آنگاه به نماز بایستد.^۱

۵. حضور در مجامع و محافل نماز

مشاهدات انسان یکی از عوامل مؤثر در تربیت انسان است. قرآن در آیات متعدد انسان را به «دیدن» و «تفکر» دعوت می‌کند. بین «دیدن» و «باور کردن» رابطه مستقیم وجود دارد؛ باید کاری کنیم که فرزند ما با صحنه‌های گوناگون اقامه و آماده شدن برای اقامه نماز مواجه شود. شرکت در نمازهای جماعت مسجد محله می‌تواند در تقویت روحیه نمازخواندن فرزندان ما مؤثر باشد.

۶. زیبا سازی نماز

انسان زیبایی را دوست دارد و به دنبال زیبایی‌ها می‌رود و این ویژگی را خداوند در وجود آدمی

۱. من لا یحضره الفقیه ؛ ج ۱ ؛ ص ۲۸۱.

فصل ششم: پرسش و پاسخ ■ ۱۰۹

قرار داده است؛ به خصوص کودک و نوجوان که بیش از بزرگسالان زیبایی‌ها را می‌بینند و دوست دارد. با هدیه دادن یک سجاده زیبا و چادر نمازی قشنگ برای دختران، جانماز و لباس زیبا برای پسران می‌توان رغبت آن‌ها به نماز خواندن و حضور در جمع نمازگزاران را فزونی بخشید، به هر میزان که والدین بتوانند زیبایی‌ها را با نماز خواندن پیوند بزنند، به همان اندازه موفق‌تر خواهند بود.

۷. تشویق

همان گونه که قرآن انسان‌ها را به انجام اعمال پسندیده ترغیب می‌کند و از ارتکاب اعمال زشت به شدت بر حذر می‌دارد، سخنان پدر، مادر و مربی نیز باید این گونه باشد. جای جای قرآن کریم وعده به بهشت است که نمونه‌ای بارز برای تشویق به عبادت است. پدر و مادر نیز با روش‌های مختلف و برآورده ساختن نیازهای فرزند همچون اسباب بازی، رفتن به سینما، پارک و ...

او را به نماز تشویق کنند، البته این تشویق نباید به گونه‌ای باشد که روحیه تعبد در فرزند کم رنگ شود و نماز را فقط برای رسیدن به هدیه بخواند. از جمله راه‌کارها این است که با او شرط خرید هدیه‌ای نکنیم؛ بلکه بعد از نماز یا انجام کار درست، او را با دادن هدیه‌ای تشویق کنیم.

اجبار کودکان به نماز

کودکان را از چندسالگی و به چه طریق تشویق یا وادار به نماز و عبادات نماییم؟
در زمینه شیوه آموزش نماز و سایر عبادات به کودکان رعایت نکات زیر ضروری است:^۱

۱. برای این پاسخ از کتاب «نماز و شکوفه‌های زندگی» مرکز تحقیقات، و «راهنمای پدران و مادران»، ج ۲، نوشته محمدعلی سادات استفاده شده است.

۱. نماز خواندن در حضور کودک و نوجوان: به دلیل وجود حس تقلید و الگوگیری در کودکان، نماز والدین در حضور کودک می‌تواند سهم بسزایی در تربیت دینی کودکان به‌ویژه تعلیم نماز، داشته باشد؛

۲. بردن کودک به مساجد و مجالس مذهبی: این روش نیز در ایجاد علاقه به نماز و عبادات در کودک تأثیر فراوانی خواهد داشت. البته به شرطی که این کار با محبت و نرمش انجام گرفته، فارغ از هر نوع اجبار و تحمیل باشد و نیز به خستگی و آزرده‌گی کودک منجر نشود؛

۳. ایجاد جاذبه ظاهری: شما می‌توانید براساس میل فرزندتان وسایل دلخواهش را تهیه کنید؛ مثلاً مهر، تسبیح، سجاده، عطر، و مقنعه و چادر مناسب و زیبا برای دختران. همچنین

رعایت ظواهر دینی ازسوی والدین همچون پوشیدن لباس زیبا و استفاده از عطر هنگام نماز و برپایی نماز در مکان تمیز و شایسته به نوبه خود تأثیرات مثبتی در رفتار و تربیت دینی کودک خواهد داشت؛

۴. وادار کردن کودکان به عبادت: چون بلوغ شرعی دختران از سن نه‌سالگی آغاز می‌شود از این‌رو براساس روایات لازم است از سن شش‌سالگی آنان را به خواندن نماز و سایر عبادات وادار کرد. چنان‌که امام صادق(ع) فرمود: «از سن شش تا هفت‌سالگی کودک را به نماز وادارید و در ترک آن مؤاخذه‌اش کنید».^۱

۱. محمدبن حسن عاملی، وسائل الشیعه، ج ۲، ص ۵.

البته لازم است اجبار به نماز، توأم با محبت و رأفت نیز باشد؛ در غیر این صورت آثار منفی چنین روشی بیش از آثار مثبتش خواهد بود. در مورد عبادات دیگر نیز باید اجبار متناسب با ظرفیت و توان کودک باشد؛ مثلاً نسبت به روزه از او خواسته شود که چند ساعت روزه بگیرد؛

۵. تشویق: تشویق کودکان مهم‌ترین نقش را در تربیت دینی آنان خواهد داشت. اگر تشویق کودکان در حضور دیگران صورت گیرد تأثیراتش بیشتر از روش‌های دیگر خواهد بود. از طرفی تشویق‌ها را می‌توان از راه‌های مختلف همچون دادن جایزه، خریدن اسباب‌بازی مناسب، وسایل مورد علاقهٔ کودک، خرید خوراکی و مانند آنها انجام داد. البته در بین تشویق‌ها، تشویق لفظی و دادن مسئولیت، بیشترین اثر را دارند؛

۶. گفت‌وگو درباره نماز و عبادات بین اعضای خانواده: این روش نیز در تعمیق اعتقادات

دینی کودکان بسیار مؤثر است؛ البته لازم است مباحث در سطح متناسبی بوده و با قصه و شعر و حکایت همراه باشد تا در قلب کودک و نوجوان نفوذ کند.

آموزش نماز به فرزندان

چگونه باید به کودکانی که تازه به سن تکلیف رسیده‌اند، نماز خواندن و به موقع خواندن و اهمیت آن را آموخت؟

در زمینه‌ای که شما سؤال فرمودید، عمده‌کاری که تأثیر زیاد و مستقیم در فرزند می‌گذارد، به سال‌ها قبل از سن تکلیف او برمی‌گردد، و در آن سن مهم‌ترین راه برای هر یک از موارد (چگونه نماز خواندن، به موقع نماز خواندن و اهمیت نماز) راه عملی است. اگر پدر و مادر و اطرافیان فرزند، خود به نماز اهمیت داده، اول وقت در منزل با حرکتی ملموس و قابل توجه

همه به نماز بایستند، فرزند براساس اصل «مُحَاکَات» دقیقاً آنچه ببیند، ضبط نموده، به زودی می‌خواهد اجرا کند، خصوصاً اگر مورد تشویق قرار گیرد. بنابراین تربیت در این زمینه‌ها از کودکی آغاز شده، اصل کار والدین به آن زمان برمی‌گردد. سپس در مرحله بعدی که کودک به سنین شش تا هفت سال رسیده باید کم‌کم او را به وضو گرفتن و نماز خواندن به‌طور سبک تمرین داد. استاد ابراهیم امینی می‌فرماید: «درست است که پسر بعد از پانزده سال و دختر بعد از نه سال به تکلیف می‌رسند و قبل از آن تکلیفی ندارند؛ اما انجام تکالیف دینی را نمی‌توان تا سن بلوغ به تأخیر انداخت. باید انسان از کودکی به انجام عبادات و تکالیف دینی عادت کند تا در سن بلوغ به آنها رغبت داشته باشد... . بچه غالباً از سن پنج‌سالگی و شاید قدری هم زودتر می‌تواند حمد و سوره را تدریجاً یاد بگیرد. بر پدر و مادر لازم است که خودشان یا به‌وسیله یکی

از فرزندان بزرگترشان تدریجاً و به صورت تفریح حمد و سوره را به او یاد بدهند. سپس بقیه اذکار نماز را با همین منوال تدریجاً به او بیاموزند. وقتی نماز را یاد گرفتند و شش ساله یا هفت-ساله شدند، پدر و مادر به آنها دستور می‌دهند که مرتب نماز را بخوان و اوقات نماز را به او تذکر می‌دهند. اول وقت خودشان مہیای نماز می‌شوند و به کودکان نیز تذکر می‌دهند که وقت نماز رسیده است؛ نماز را فراموش نکن. وقتی نه‌ساله شدند باید به‌طور قاطع و جدی آنها را به نماز خواندن وادار کنند»^۱.

به‌هرحال عقب انداختن آن مواردی که شما سؤال فرمودید تا سن بلوغ، کار را بسیار دشوار می‌کند و گاه به‌زودی نتیجه نخواهد داد. پس از طی این مراحل، و هنگامی که فرزند به سن

۱. ابراهیم امینی، آیین تربیت، ص ۳۲۱ - ۳۲۲.

بلوغ رسید، کم‌کم با مطالعه و شرکت در جلسات مذهبی، بیشتر با اهمیت نماز آشنا می‌شود و پس از آن باید به تدریج به روح و حقیقت نماز پی برده، حضور قلب را تجربه کند. در هریک از موارد مذکور می‌توانید به کتب تربیت در بحث تربیت دینی فرزندان و نیز کتب نماز و اهمیت آن مثل پرتوی از اسرار نماز استاد قرائتی مراجعه کنید.

آموزش نماز به نوجوانان

برای آموزش نماز به بچه‌های نه تا یازده‌ساله چه باید کرد؟

تربیت دینی نوجوانان و وارد نمودن آنان به گلستان عبودیت به‌ویژه نماز، مستلزم آگاهی گستردهٔ مربی - اعم از والدین و معلم - نسبت به مسائل تربیتی و شناخت حالات و خصوصیات نوجوانان در این مقطع سنی است. در همین زمینه برخی از اموری را که مربیان می‌توانند با به-

کارگیری آنها در آموزه‌های دینی کودکان و نوجوانان و تعمیق باورهای مذهبی‌شان نقش مؤثری ایفا کنند، بیان می‌کنیم:

۱. تقویت پایه‌های تفکر و رفتار اندیشمندانه

با ورود نوجوان در این مرحله، آمادگی یادگیری همراه با استدلال در او ایجاد می‌شود. از این‌رو مربی باید از به‌کارگیری روش اجبار و خشونت اجتناب نموده، با محبت و نرمش او را در برابر حل درست مسائل دینی‌اش یاری دهد. از طرفی مربی می‌تواند از طریق گفت‌وگو در مورد نماز در محیط خانه یا مدرسه متربی را به فکر کردن وادار کند و پایه‌های فکری او را در زمینه فلسفه نماز و سایر عبادات قوت بخشد. روش طرح سؤال و وادار نمودن انسان‌ها به تفکر، از جمله اموری است که قرآن و عترت بدان اهمیت فراوان داده‌اند؛

۲. به کارگیری هرچه بیشتر روش‌های تربیتی غیرمستقیم

مربی باید از طریق رفتار و برخورد مؤدبانه و ملاحظه جنبه‌های عاطفی و روانی متربی، او را در یادگیری مسائل دینی یاری بخشد. اهتمام عملی والدین به نماز اول وقت، رفتار محبت‌آمیز و توأم با رفاقت با فرزندان و بازی کردن با آنان، پرهیز از توبیخ و سرزنش در برابر دیگران، تغافل از برخی سهل‌انگاری‌ها و خطاهای قابل گذشت، تشویق مناسب در برابر رفتارهای نیک، ایجاد زمینه برای ارتباط متربی با افراد متدین و پایبند به مسائل شرعی و مانند آنها می‌تواند شرایط مطلوبی را برای رشد متربی فراهم نماید و او را در رسیدن به قلّه سعادت یاری کند که: «دو صد گفته چون نیم کردار نیست».

۳. رعایت اصل «تدریج»

نظام عالم بر پایه «تدریج» استوار شده است؛ از این رو مربی باید در فعالیت تربیتی خویش به این اصل مهم پایبند بوده، از هر نوع عجله و شتاب در آن پرهیز کند؛ چنان که امام علی(ع) فرمود: *الْعَجَلُ يُوجِبُ الْعِثَارَ*^۱ «عجله موجب لغزش است». نداشتن سعه صدر و توقع بیجای مربی در تأثیرپذیری فوری متربی، از آفات و موانع مهم در روش تربیتی است. به خصوص آنکه روح کودک و نوجوان بسیار لطیف بوده، با کمترین آزردهی آسیب جدی می‌بیند؛ از این رو نیاز به مراقبت مستمر دارد. سیره تربیتی امامان معصوم(ع) در اجرای این اصل که بیانگر توجه عمیق

۱. محمد محمدی ری شهری، میزان الحکمه، ج ۷، ص ۳۴۸۴.

آنان به مراحل مختلف سنی متربی است، می‌تواند بهترین الگو برای مریبان جامعه قرار گیرد؛ چنان‌که امام باقر(ع) درزمینهٔ روش آموزش نماز به کودکان می‌فرماید:

در سه‌سالگی، کلمه توحید «لا اله الا الله» را به طفل بیاموزند و در چهارسالگی «محمد رسول الله» را به او یاد بدهند، در پنج‌سالگی رویش را به قبله متوجه کنند و به او بگویند که سر به سجده بگذارد. در شش‌سالگی، رکوع و سجدهٔ صحیح را به او بیاموزند و در هفت‌سالگی به طفل بگویند دست و صورت را بشوی و نماز بگزار.^۱

اصول و موازین دیگری نیز درزمینهٔ روش تربیت دینی در منابع دینی بیان شده است که به دلیل اختصار و پرهیز از اطالۀ کلام، از ذکر آنها خودداری می‌کنیم.

۱. مرتضی فرید، روایات تربیتی از مکتب اهل‌بیت(ع)، ص ۸۱.

بیدار کردن فرزندان برای نماز

فرزندمان را در هنگام نماز صبح با چه روشی بیدار کنیم؟

گرایش کودک به پذیرش ارزش‌ها و یا دستورهای دینی تنها در سایهٔ احساس شخصیت و ارزشمندی خویش تحقق می‌یابد. بنابراین کودکان نقش تعیین‌کننده‌ای دارند، و والدین و معلمان در موقعیت‌های مناسب تنها زمینه‌ساز و هدایت‌گرند. متأسفانه گاهی اوقات والدین و مربیان می‌کوشند مسائل دینی را در فرصتی کوتاه از طریق گفتاری مستقیم و با پند و اندرز و تذکرات مکرر، به کودکان منتقل و یا تحمیل کنند؛ درحالی‌که کودکان خود باید ارزش‌ها را به‌دست آورند، دلایل آن را بپذیرند و با میل آن را در صحنهٔ عمل به‌کار گیرند؛ نه‌اینکه قواعد را به آنها

دیگته کرده، به اجبار بقبولانیم. امام علی(ع) می‌فرماید: فَإِنَّ الْقَلْبَ إِذَا أُكْرِهَ عَمِيَ؛^۱ «اگر دل را به اجبار به کاری واداری، کور می‌گردد». از این رو چه بسا فرزندان در خانه پدر و مادر که سلطه و اقتدار را ملاحظه می‌کنند، نماز می‌خوانند، ولی با تغییر موقعیت، آن را ترک می‌کنند؛ چون ارزش‌های دینی برای آنان درونی نشده است. والدین باید در تعامل گروهی با احترام دوسویه، به تبادل اطلاعات و احساسات بپردازند و فضای دوستی را فراهم نموده، به آنها فرصت و اجازه بحث و استدلال و پرسیدن دهند. هیچ ارزش و اعتقاد و اصولی را قبل از آنکه زمینه لازم عاطفی و روانی آن برای کودک فراهم آید و یا خود به آن متمایل شده باشد، نباید به وی تحمیل کرد.

۱. سید رضی، نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، حکمت ۱۹۳، ص ۴۷۶.

امام خمینی(ره) باینکه نسبت به انجام تکالیف شرعی فرزندانشان بسیار مقید بودند، اما از ایجاد تلخی در جان کودک پرهیز داشتند. یکی از فرزندان امام می‌گوید: «زمانی همسرم از روی عادت خانوادگی، صبح‌ها دخترم را از خواب شیرین بیدار می‌کردند که نماز بخواند. امام که در جریان قرار گرفتند، پیغام فرستادند که شیرینی اسلام را به مذاق بچه تلخ نکن، و چقدر این حرف بجا بود و تأثیر عمیقی بر روحیهٔ دخترم گذاشت؛ به‌طوری‌که بعد از آن خودش سفارش می‌کرد که برای نماز صبح حتماً بیدارش کنیم».

یکی دیگر از فرزندان می‌گوید: «یک بار از آقا سؤال کردم که: آیا اجازه دارم فرزندم را برای نماز صبح بیدار کنم؟ فرمودند: خواب را بر بچه تلخ نکن».

۴. روش الگویی

نکتهٔ دیگر استفاده از روش الگویی است. فرزندان بیش از آنکه به گفتار والدین بیندیشند، به عملشان می‌نگرند. پدر و مادر اگر به نماز اول وقت با رعایت آداب آن توجه نمایند، عملاً انجام تکالیف مذهبی را به فرزندان آموزش داده‌اند.

این روش به مراتب از آموزش زبانی مؤثرتر است. امام صادق(ع) می‌فرماید: **كُونُوا دُعَاةَ**

النَّاسِ بِغَيْرِ السَّنَتِكُمْ^۱ «با غیر زبانتان (عملتان) مردم را به نیکی‌ها دعوت کنید».

۱. محمدبن یعقوب کلینی، کافی، ج ۲، ص ۷۸.

۵. تشویق

نکته آخر استفاده از تشویق و ارزش‌گذاری است. البته تشویق به‌عنوان کمک انگیزه‌محور است، نه اصل انگیزه؛ یعنی باید فرزند بفهمد که عملش مورد توجه والدین است، ولی وابسته به تشویق نشود که اگر تشویقی نبود، عمل را ترک کند. بدیهی است که کودک هرچه بزرگ‌تر می‌شود، احساس نیاز او به تشویق کمتر می‌شود؛ ولی در اوایل لازم است اگر فرزند پسر است، سجاده و تسبیح و کالای مورد علاقه او را برایش تهیه کرد؛ اما اگر دختر است، چادر نماز، سجاده و وسایل دیگر به‌عنوان جایزه تهیه شود. در این زمینه می‌توان از مربیان مدرسه کمک گرفت.



پیوست‌ها

ارتباط با دفتر مراجع

آیت‌الله‌العظمی سیدروح‌الله الموسوی الخمینی

تلفن تهران: ۲۲۲۸۹۶۹۱

<http://www.imam-khomeini.com>

آیت‌الله‌العظمی سیدعلی حسینی خامنه‌ای

تلفن تهران: ۶۴۴۱۱ / تلفن قم: ۲ - ۷۷۴۲۲۳۱

<http://www.leader.ir>

آیت‌الله‌العظمی ناصر مکارم شیرازی

تلفن تهران: ۷۷۵۰۹۶۹۷ / تلفن قم: ۱۳ - ۷۷۴۳۱۱۰

www.makaremshirazi.org

آیت‌الله‌العظمی محمد فاضل لنکرانی

تلفن تهران: ۲۲۸۴۳۹۶۵ / تلفن قم: ۷۷۲۰۵۰۰

<http://www.lankarani.org>

آیت‌الله‌العظمی حسین وحید خراسانی

تلفن قم: ۷۷۴۰۶۱۱

<http://vahid-khorasani.ir>

آیت‌الله‌العظمی لطف‌الله صافی گلپایگانی

تلفن تهران: ۵۵۶۰۹۳۹۴ / تلفن قم: ۶ - ۷۷۱۵۵۱۱

<http://www.saafi.ir>

آیت‌الله‌العظمی حسین نوری ہمدانی

تلفن تهران: ۳۳۱۳۷۱۹۴ / تلفن قم: ۷۷۴۱۸۵۰

www.noorihamedani.com

آیت‌الله‌العظمی سیدعلی حسینی سیستانی

تلفن مشهد: ۲۲۵۰۰۹۱ / تلفن قم: ۹ - ۷۷۴۱۴۱۵

<http://www.sistani.org>

آیت‌الله‌العظمی محمدتقی بہجت فومنی

تلفن مشهد: ۸۵۴۹۹۷۹ / تلفن قم: ۳ و ۷۷۴۳۲۷۱

<http://www.mtb.ir>

آیت‌الله‌العظمی میرزا جواد تبریزی

تلفن دفتر تهران: ۷۷۴۷۳۶۸۷ / تلفن قم: ۷۷۴۴۲۸۶

<http://www.tabrizi.org>

آیت‌الله شیخ حسین مظاهری

تلفن اصفهان: ۴۴۶۴۶۹۱

<http://www.almazaheri.org>

معرفی مراکز پاسخ‌گویی

مرکز تخصصی نماز

www.namazportal.ir

سامانه پیامکی ۳۰۰۰۴۱۴۵

درگاه پاسخ‌گویی به مسائل دینی (پرس‌وجو)

<http://www.porsojoo.com>

تلفن: ۰۲۵۱ - ۷۷۴۲۳۸۰

مرکز ملی پاسخ‌گویی به سؤالات دینی (دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم)

<http://www.pasokhgoo.ir>

تلفن: ۰۹۶۴۰

اداره مشاوره و پاسخ نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها

<http://www.porseman.org>

تلفن: ۰۲۵۱ - ۲۹۰۷۷۹۷

سامانه پاسخ‌گویی به سؤالات و شبهات دینی (دفتر تبلیغات اسلامی خراسان)

تلفن: ۲۲۱۵۱۴۱ - ۰۵۱۱ <http://www.eporsesh.com>

واحد پاسخ‌گویی به سؤالات جامعه الزهراء(س) - پاسخ‌گویی تخصصی ویژه خواهران

تلفن: ۲۱۱۲۴۵۳ - ۲۹۳۵۸۴۸ - ۰۲۵۱ <http://www.jz.ac.ir>

فرهنگ‌سرای پرسش

تلفن: ۲۳۴۱۹۱۹ - ۰۳۱۱ <http://www.porsesh.ir>

مؤسسه در راه حق

تلفن: ۲ - ۷۷۴۳۲۲۱ - ۰۲۵۱ <http://www.darrahehaq.com>

مؤسسه فرهنگی هنری نور راسخون

<http://www.rasekhood.net>

تلفن: ۰۳۱۱ - ۶۶۱۵۵۷۸ - ۸۱

مؤسسه فرهنگی رواق حکمت (اسلام کوئیست)

<http://www.islamquest.net>

تلفن: ۰۲۵۱ - ۷۷۱۶۰۶۰

مرکز مطالعات و پاسخ‌گویی به شبهات حوزه علمی قم

<http://www.Andisheqom.com>

تلفن: ۰۲۵۱ - ۷۷۳۷۲۱۷

مرکز مشاوره حوزه علمی قم

تلفن: ۰۲۵۱ - ۷۸۳۲۸۵۵ / ۷۷۳۵۰۲۱ / ۷۷۳۶۳۷۰

آستان قدس رضوی

تلفن ۲۲۳۵۳۱۲ - ۰۵۱۱ <http://www.Imamrezashrine.com>

دفتر مطالعات و تحقیقات زنان (مرکز مدیریت حوزه علمیه خواهران)

تلفن: ۳ - ۲۹۰۷۶۱۰ - ۰۲۵۱ <http://www.Womenrc.com>

سامانه پاسخ‌گویی به سؤالات و شبهات دینی (سازمان تبلیغات اسلامی)

تلفن: ۳ - ۶۶۹۵۹۷۵۲ - ۰۲۱

مؤسسه فرهنگی و اطلاع‌رسانی تبیان (بخش مشاوره اینترنتی و پاسخ‌گویی)

تلفن: ۸۱۲۰۲۴۱۵ - ۰۲۱ <http://www.tebyan.net>

پژوهشکده مهدویت و آینده‌پژوهی

تلفن: ۲ - ۷۷۴۹۹۷۱ - ۰۲۵۱

<http://www.mosleh.org> و <http://www.Monjee.com>

مرکز تخصصی مهدویت

تلفن: ۷۷۴۹۵۶۵ - ۷۷۴۴۳۴۱ - ۷۷۳۷۸۰۱ - ۷۸۳۳۷۷۰ - <http://www.mahdi.org>

مؤسسه آینده روشن (پژوهشکده مهدویت)

تلفن: ۰۲۵۱ - ۷۸۴۰۰۸۶ <http://www.intizar.ir>

مؤسسه تحقیقاتی حضرت ولی عصر(عج)

تلفن: ۰۲۵۱ - ۷۷۳۵۸۳۱ <http://www.Valiasr-aj.com>

شبکه سراسری رادیو معارف فارسی و انگلیسی (برنامه‌های پرسش و پاسخ)

تلفن: ۲ - ۲۹۱۰۵۵۱ - ۰۲۵۱ <http://www.radiomaaref.ir>

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (پاسخ‌گویی حوزه نت)

تلفن ۲۱۲۰۲۱۲ - ۰۲۵۱ <http://www.hawzah.net>

مجمع جهانی اهل بیت (ع)

تلفن ۴ - ۲۹۰۲۹۷۲ و ۲۱۳۱۱ - ۰۲۵۱ <http://www.ahl-ul-bait.com>

بنیاد بین‌المللی علوم و حیانی اسراء (واحد پاسخ به سؤالات دینی)

تلفن: ۳ - ۷۷۸۲۰۰۱ - ۰۲۵۱ <http://www.esra.ir>